



فرهنگ‌گراه ۵

نشریه تخصصی دانشجویی
دانشگاه فرهنگیان شهر تهران



در این شماره می‌خوانیم:

میراث کدخدایان آموزش و پرورش

فرهنگراه

فهرست

شناسنامه

سیاسی

- ۲ میراث کدخدایان آموزش و پرورش
- ۸ ماده ۲۸ یا مرفین آپ برای فراموشی دردها
- ۹ وقتی نقاب بر چهره ها نقش می بندد
- ۱۱ فرار نخبگان، محصول ناکارآمدی سیستم آموزش

بین الملل

- ۱۴ کرونا چه بر سر آموزش فنلاند آورد؟!
- ۱۹ موفقیت به آی کیو بالا ارتباطی ندارد!
- ۲۲ راهبرد آموزشی ترکیه باید تغییر کند
- ۲۵ تمیز کردن بهانه است!

اجتماعی

- ۲۹ آموزش رایگان، از تصویر زیبا تا حقیقت تلخ
- ۳۲ مدرسه، متهم ردیف اول
- ۳۵ هالیو، موجی سنگین بر سخره فرهنگ جهان
- ۳۸ می خواهم مثل تو باشم!
- ۴۰ معلم، مرکز ثقل آموزش
- ۴۲ تغذیه مناسب باعث کاهش رفتار پرخاشگرانه می شود!

شهدا و تربیت

- ۴۷ سلوک یک آموزگار

اقتصادی

- ۴۹ دورنمای اقتصاد در نمایش طبل های تو خالی
- ۵۳ خصوصی سازی اقتصادی، میانبری به سمت عمده آموزشی

حرف دانشجو

- ۵۶ فرهنگیان، مدرسه یا دانشگاه پوشالی
- ۵۸ اسمش را گذاشته ایم تربیت معلم!

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی

مدیر مسئول:

علی قلعه نویی

سردبیرهای سرویس ها:

محمدحسین جوادی

زهرا شریف دینی

فاطمه اسدبیگی

فاطمه باقری بهادر

مبینا توکلی

هانیه علی قارداشی

واحد رسانه:

فاطمه نجاری

واحد ویراستاری:

حدیثه صفاری

طراح جلد و صفحه آرا:

لیلا محمدیان

سرویس

سیاسی



میراث کدخدایان آموزش و پرورش

وزارت خانه آموزش و پرورش در طول چهل سال انقلاب بیش از بیست وزیر و سرپرست را به خود دیده است!

محمد علی رجایی

کار خویش را با معلمی آغاز کرد و دارای سابقه تعلیم و تربیت بود. برخی باور دارند بازه ۹ ماهه برای به ثمر نشاندن اهداف کافی نیست و همانند دوران وزارت غلامحسین شکوهی نتیجه‌ای انتظار نمی‌رود اما محمد علی رجایی در طول ۹ ماه وزارت خویش اقدامات تاثیر گذاری انجام داد از جمله دولتی کردن مدارس ملی و یک شکل کردن آموزش و پرورش، یکنواخت کردن تمام مدارس و رفع تبعیض از آن‌ها، تغییر نظام آموزشی، تغییر محتوای کتاب‌های درسی، تغییر روابط دانش آموز و معلم، تعمیم امکانات و تجهیزات آموزشی برای تمام اقشار جامعه، توجه به عشق و علاقه به شغل معلمی به جای استفاده از دانشجویان بورسیه در انتخابات معلمان.

«کسی که تاریخ را نخواند محکوم به تجربه کردن است.» گزاره ای که آینده‌ی جوامع را تحت شعاع قرار میدهد. اجرایی شدن طرح هایی که منجر به نتیجه مطلوبی نشوند در هیچ نظام آموزشی دور از انتظار نیست اما طرح های آزمایش شده‌ای که ناکارامدی خود را به اثبات رسانده اند و جز هزینه بودجه کلان، پروسه های طولانی و به کارگیری نیروی انسانی مثمر ثمر واقع نشده اند، میتوانند نقشه ذهنی وسیعی از بایدها، نبایدها، چارچوب‌ها، سرمایه و موانع ایجاد کند. در گزارشی اجمالی به معرفی وزاری آموزش و پرورش و بررسی اقدامات آنها در جمهوری اسلامی ایران می‌پردازیم.

غلامحسین شکوهی



او نخستین فردی بود که بعد از انقلاب به میز وزارت خانه آموزش و پرورش کشور تکیه زد. او را به عنوان پدر علم تعلیم و تربیت ایران می‌شناسند. شکوهی نزدیک

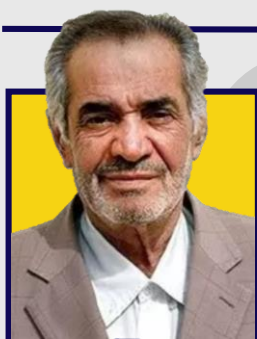
به ۶۰ سال در این حیطه فعالیت کرد و دکترای خود را از دانشگاه سوئیس کسب کرد و تعداد زیادی کتاب با بالای ۲۰ تجدید چاپ و ۶۰ مقاله در نشریات علمی داخلی و خارجی از وی منتشر شد. در طول ده ماه مدیریت خود بدون حاشیه پیش رفت و با استدلال کم بودن زمان، بیان کرد که امکان دنبال کردن و به ثمر نشاندن اهداف خویش را نداشت.

محمد جواد باهنر



وی در کنار تدریس به تالیف کتب درسی پرداخت و حدود ۳۰ کتاب تالیف کرد و در زمینه‌های اجتماعی فعالیت گسترده‌ای داشت. او سیاست‌های کلی آموزش و پرورش را اینگونه بیان کرد: «تعمیم امکانات آموزشی کشور مخصوصاً در روستاها تا این نابرابری موجود میان شهر و روستا از بین برود. نحوه توزیع مدارس باید به طور عادلانه برنامه ریزی و عمل شود تا تفاوت بسیار زیادی که در مدارس جنوب شهر و شمال شهر موجود است مرتفع شود. آموزش و پرورش باید محتوای فرهنگی و بار ایدئولوژی اسلامی بگیرد و دارای اهداف مشخصی باشد. اهمیت تربیت معلم، در این باره باید به ایجاد دوره‌های غنی و پربارتر پردازیم.»

دوران وزارت با هنر نیز کوتاه بود و آنگونه که باید تغییرات زیادی رقم نخورد و با شهادت وی، دوباره وزارت خانه آموزش و پرورش میزبان وزیر جدید بود.



علی اکبر پرورش

سابقه تدریس و بازداشت توسط ساواک را داشت و در سال ۱۳۶۰ به منصب وزارت آموزش و پرورش رسید. در دوره او بود که جذب معلمان حق التدریس به خاطر افزایش جمعیت و کمبود معلمان رسمی افزایش یافت.

سید کاظم اکرمی



او که سابقه مدیریت کل آموزش و پرورش استان همدان را داشت؛ از سال ۶۳ تا سال ۶۷ وزارت آموزش و پرورش را بر عهده گرفت و در زمان جنگ مدیریت وزارت خانه را قبول کرد. بزرگ شدن مجموعه آموزش و پرورش، جذب معلمان، کلنگ زنی ساخت مدارس و بسیاری از اقدامات دیگر از جمله اقدامات وی بود. در زمان وزارت او تغییرات محتوایی خاصی در ساختار و الگوهای آموزش و پرورش رخ نداد.



محمد علی نجفی

او که فعالیت‌های سیاسی مختلفی به عهده داشت، ۸ سال وزارت آموزش و پرورش را به عهده گرفت. دانش‌آموخته کارشناسی ریاضی از دانشگاه صنعتی شریف بود و دکتری خود را در رشته ریاضی از دانشگاه MIT دریافت کرد.

اصلاح، تقویت و مدیریت کند. نجفی با پشتوانه علمی و تجربه مدیریتی خود آموزش و پرورش ایران را متحول کرد.

.....
.....
.....

تسهیل روند گزینش‌های آموزش و پرورش که سال‌ها جزو سختگیرانه‌ترین گزینش‌های دولتی بود، از اقدامات دیگر او به شمار می‌رود. او تلاش کرد با سخت کردن شرایط انتقال و استخدام معلمان، استفاده از معیارهای تحصیلات عالی، ساختار آموزش و پرورش را

از مهمترین اقدامات وی در زمان تصدی وزارت آموزش و پرورش، تغییر نظام آموزشی به ترمی واحدی، افزایش بی‌سابقه حقوق معلمان و ایجاد مدارس نمونه دولتی و غیرانتفاعی می‌باشد. او با واگذاری امور اجرایی به مدارس، آموزش و پرورش را کوچک‌تر کرد.

مظفر در دوران وزارتش دست به برخی تغییرات جزئی در الگوی آموزشی زد و عملاً خط خاصی را در آموزش و پرورش دنبال نکرد. او ترجیح داد وزارت آموزش و پرورش را در دوران چهار ساله اش آرام و بی‌حاشیه نگه دارد.

حسین مظفر

از جمله تحصیل کرده‌های دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی بوده و هم اکنون عضو بازنشسته هیئت علمی این دانشگاه محسوب می‌شود.



بحث انتخاب مدیران مدارس توسط معلمان در این دوره شکل گرفت. در دوران وزارت وی بود که شاهد حذف معاونت پرورشی از وزارت آموزش و پرورش بودیم. اقدامی که تبعات منفی متعددی را در آموزش و پرورش داشت.

مرتضی حاجی

وی دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ریاضی است. در زمان آغاز وزارتش ۵۳ ساله بود و تا آن زمان مسن‌ترین وزیر آموزش و پرورش تاریخ جمهوری اسلامی به شمار می‌رفت.

گرفت و این کار توسط وزاری پس از او نیز دنبال شد.

فرشیدی حاشیه‌های بسیاری داشت. بالا گرفتن اعتراض معلمان که به اعتصاب و تحصن عمومی در سال ۸۵ منجر شد، فرشیدی را در موقعیت دشواری قرار داد و از

محمود فرشیدی

فرشیدی دارای مدرک کارشناسی ارشد مهندسی شیمی بود و مدیریت مجتمع آموزشی معلم در منطقه ۲ آموزش و پرورش را به عهده داشت و دارای سابقه تدریس نیز بود. در زمان فرشیدی برای تحول بنیادین در آموزش و پرورش اقداماتی شکل



رونمایی از برنامه درسی ملی و تلاش برای اجرای نظام ۳/۳/۶ و تعطیلی پنج شنبه‌های مدارس از جمله اقدام‌های حاجی بابایی بود.



علی اصغر فانی

دانش آموخته دوره دکترای رشته مدیریت دولتی از دانشگاه تربیت مدرس بوده و هم‌اکنون عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس است. مهم‌ترین نقاط قوت این وزیر آموزش و پرورش، آغاز بودجه‌ریزی عملیاتی، توجه به مدیریت آموزشی، ساماندهی به توزیع نیروی انسانی و دانشگاه فرهنگیان است. توقف برخی از طرح‌های غیر کارشناسی به صورت موقت (از جمله طرح رتبه‌بندی معلمان) از جمله اقدام‌های مثبت فانی محسوب می‌شود.

اما نقاط ضعف فانی در دوران وزارتش را می‌توان به‌کندی روند تدوین نقشه راه اجرای سند تحول بنیادین،

سطح مدارس کرد و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش را به درستی دنبال کرد. او در دوران وزارتش از جداسازی کتب درسی دختران و پسران و ساخت اندرونی در مدارس دخترانه سخن می‌گفت، از طرفی دیگر مقابل فشارها برای استخدام حق التدریسی‌ها به بهانه جلوگیری از بزرگ شدن ساختار مقابله می‌کرد. ایستادگی او برای حذف کنکور یکی از اقدامات اساسی او در مقابل مجلس بود که حتی او را چندین بار تا مرز استیضاح پیش برد.



حمیدرضا حاجی بابایی

دکتری الهیات و معارف را از دانشگاه آزاد اسلامی تهران اخذ کرد.

در دوره وزارت حاجی بابایی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش اجرایی شد و اجرای این سند با انتقاداتی نیز همراه بود چرا که در مسیر تحول با شتاب بسیاری شروع به حرکت کرد.

از طرفی دیگر حواشی طرح سوالات توهین آمیز نسبت به پیامبر (ص) در یکی از آزمون‌های وزارتخانه انتقادات بسیاری را علیه او به دنبال داشت.

بازگرداندن معاونت پرورشی از یک طرف و توقف روند مشارکت بخش‌های غیردولتی در اداره مدارس از جمله اقدام‌های شاخص وی در آموزش و پرورش بود.



علیرضا علی احمدی جشفقانی

او مدرک دکترای خود را در مدیریت تولید از دانشگاه تربیت مدرس و مدرک کارشناسی ارشدش را در مهندسی صنایع همان دانشگاه دریافت کرد. علی احمدی یکی از معدود وزرای آموزش و پرورش بود که پیش از تصدی این جایگاه، حتی سابقه‌ای از خود در یکی از مدیریت‌های میانی آموزش و پرورش به ثبت نرسانده بود. احمدی تلاش بسیاری برای کوچک نمودن ساختار تشکیلاتی در وزارتخانه و

نوروزی، جایگزینی داستان نویسی در ایام نوروز و برگزاری انتخابات نمایندگان فرهنگیان در صندوق ذخیره دست زد.



محسن
حاجی
میرزایی

محسن حاجی میرزایی دانش آموخته کارشناسی علوم اجتماعی از دانشگاه تهران، کارشناسی ارشد مدیریت از مرکز مدیریت دولتی و دکتری جامعه‌شناسی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال است. در زمان وزارتش کرونا گسترش یافت که تعطیلی همه مدارس و مراکز آموزشی نتایج آن بود. بنابراین بخش عظیمی از نیروهای این وزارتخانه مصروف مقابله با آثار منفی این حادثه و ایجاد تعادل در نظام آموزشی کشور شد و شبکه شاد و اینترنت رایگانی که اکثر دانش آموزان و معلمان از آن بی بهره بودند تهیه شد.

وی در افزایش حقوق معلمان و ساخت مسکن فرهنگیان تا حدودی موفق بود.

حاجی میرزایی در سال ۹۹ مجوز استخدام نزدیک به ۸۰ هزار نیروی جدید را برای ورود به آموزش و پرورش دریافت کرد که در طی ۱۰ سال گذشته بی سابقه است.

فقدان فضای گفت و گو و تعامل نخبگانی در طرح‌های تحولی، فعالیت ضعیف رسانه‌ای برای اجرای سند تحول، طرح ناقص و مخدوش «یک روز بدون کتاب» و کوتاهی از برخی مفاد سند تحول نظیر سیاست چند تالیفی کتب درسی اشاره کرد.

فخرالدین احمدی دانش آشتیانی



کارشناسی خود را از دانشگاه صنعتی امیرکبیر در رشته مهندسی راه و ساختمان اخذ کرد.

وی مدرک دکتری خود را از دانشگاه امپریال کالج انگلستان کسب کرد.

فخرالدین آشتیانی به مدت ۱۰ ماه در این پست مشغول به خدمت بود که در این مدت تلاش کرد تا اسناد بالادستی حوزه آموزش کشور را اجرا کند هرچند که در این زمینه با مشکلاتی هم مواجه شد اما همه تلاش خود را کرد تا برخی از مشکلات معلمان و دانش آموزان را برطرف کند. در همین مدت کوتاه نیز توانست در سه حوزه ساماندهی صندوق ذخیره فرهنگیان، پرداخت معوقات معلمان و اجرا و تدوین برخی از مواد سند تحول بنیادین موفق عمل کند.

سید محمد بطحایی



او که سابقه طولانی در پژوهش و تدریس داشت به وزارت آموزش و پرورش رسید.

بطحایی در این مدت تلاش کرد تا نظام آموزشی را ساماندهی

کند برای مثال به حذف آزمون و کتاب‌های کمک آموزشی از مدارس ابتدایی، حذف آزمون مدارس نمونه دولتی برای دانش آموزان ورودی پایه دهم، حذف مشق شب و جایگزینی تکالیف مهارت محور، حذف پیک

از جمله اقدامات اقتصادی حاجی میرزایی استفاده از مدارس در صنعت گردشگری بود. او افزوده بود: «گفت‌وگوهایی با میراث فرهنگی و گردشگری درباره تبدیل برخی مدارس در مناطقی که دانش‌آموز ندارند و خالی افتاده‌اند، انجام شده است تا برای طرح بوم‌گردی استفاده شوند. پیگیر هستیم تا از تبدیل به احسن کردن این اموال بهره ببریم.»

یوسف نوری

وی دارای دکترای تخصصی مدیریت گردشگری دانشگاه علامه طباطبائی، کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، کارشناسی برنامه‌ریزی و فوق دیپلم پرورشی است.



او در دورانی که با کرونا گره خورده بود؛ چندین بار شعارهایی در ضرورت تغییر برنامه درسی مدارس برای جبران زیان‌های ناشی از کرونا را مطرح کرد اما از شعار فراتر نرفت. وزیر تاکید داشت که در آلوده‌ترین روزها هم مدارس باید دایر باشند و حتی کوشید این امر را در دولت به تصویب برساند که موفق نشد و در نهایت به پرونده عجیب و پر ابهام مسمومیت‌ها در مدارس رسید که تعلل این وزارت خانه در گسترده شدن ابعادش، مشهود بود. در انتها تاخیر در پرداخت حقوق فرهنگیان و حواشی اطرافش دست به دست هم دادند تا نوری از وزارت خانه برود.

به طور کل در وزارت خانه آموزش و پرورش با وزرای متفاوتی رو به رو بودیم که همانطور که نوشته شد برخی از آنان سابقه‌ای در آموزش و پرورش نداشتند.

در عین حال افرادی بودند که کمتر از یکسال به میز وزارت خانه تکیه زدند و ادعا بر کم بودن زمان برای انجام سیاست هایشان داشتند در حالیکه وزاری بودند که در طول نه ماه تغییرات بزرگی انجام دادند. متأسفانه وزیرانی هم بودند که با وجود چند سال وزارت آموزش و پرورش سعی کردند هیچ تغییری انجام ندهند که این سکون باعث عدم پیشرفت نیز شد! امیدواریم که در دوره جدید و آینده‌ای نزدیک شاهد رشد و پیشرفت لازم در آموزش و پرورش باشیم و میراث صحرایی رقم زننده‌ی کارنامه‌ی درخشان‌تر از پیشینیان باشد.

زهرا شریف‌دینی

ماده ۲۸

یا مرفین آپ برای فراموشی دردها

فاطمه طاهری بخش

ورود معلمان ماده ۲۸ چه بر سر حال بیمارگونه آموزش و پرورش می‌آورد؟

چرا آموزش و پرورش به جای آنکه دید بلند مدت داشته باشد و زیرساخت‌های اجتماعی خود نظیر پردیس‌ها و امورات مربوط به دانشجویان را اصلاح کند به دنبال رفع مشکل از سریع‌ترین و بدترین راه ممکن است؟ آیا مشاوران و معاونان آموزش و پرورش به این نکته پی‌برده‌اند که ورود معلمان ماده ۲۸ چه بر سر حال بیمارگونه آموزش و پرورش می‌آورد؟ آیا مسئولان نظام آموزشی ما به اهمیت تربیت اعضای جامعه پی‌برده‌اند؟

.....

.....

یادگیری در اثر تجربه و ایجاد یک رفتار نسبتاً پایدار و به دنبال آن تقویت شکل می‌گیرد. فارغ از یادگیری رفتارهای پنهان، اصلی‌ترین راه یادگیری مورد آموزش یک فرد متخصص قرار گرفتن است. پرورش و آموزش هر نسلی برعهده معلمانی است که متخصص تلقی می‌شوند.

آموزش و پرورش هر کشور باید راهبردی را در پیش بگیرد که علاوه بر آنکه کمبود نیرو انسانی خود را جبران کند بتواند مهارت‌های معلمان خود را نیز ارتقا بخشد اما راهبردی که آموزش و پرورش و مشاوران در پیش گرفته‌اند صرفاً جبران‌کننده کمبود معلم به هر شکلی می‌باشد. هر ساله تعداد زیادی از افراد از طریق آزمون استخدامی وارد مدارس می‌شوند و ما شاهد فقدان کیفیت لازم در کلاس‌های درس هستیم.

سوال های اعتقادی شخصی پرسیده می شود آن دسته از افراد که اعتقادی به دین و نظام حاکم بر جامعه ندارند، با گفتن جواب های از قبل پیش بینی شده رضایت مصاحبه کننده را به دست آورده و در نهایت پذیرفته می شوند. با این حساب همه می توانند معلم شوند.

در نهایت خروجی آن، این می شود که نظام آپ که تاثیر بسزایی در آموزش و پرورش فرزندان این مملکت دارد، با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می کند. اگر در مصاحبه ها کمی سخت گیرانه تر و با روش های متنوع تر عمل شود، قطعاً مشخص می شود که خیلی از افراد شایسته مقام والای معلمی نیستند. البته در اثنای دوران دانشجویی هم گزینش هایی انجام می شود اما

وقتی نقاب بر چهره ها نقش می بندد...

فاطمه اسدیگی

برای جذب و استخدام معلم دو راه کنکور یا آزمون استخدامی وجود دارد. موضوع بحث هفت خان کنکور است. در نگاه سطحی به نظر شرایط استخدام از طریق کنکور بسیار پیچیده و گنگ است، اما در نگاه عمقی داستان ساده تر از آن چیزی است که فکر می کنید. بعد از رد شدن از فیلتر رتبه و مجاز شدن در انتخاب دانشگاه فرهنگیان، نوبت به تحقیقات میدانی و مصاحبه می رسد. تحقیقات میدانی که یک عمل کاملاً فرمالیته است؛ فرد با ارائه لیست افراد قابل اعتماد خود عملاً از این مرحله عبور می کند.

سوالات مصاحبه هم به لطف کانال ها و سایت های مختلف به راحتی در دسترس پذیرفته شدگان قرار می گیرد و اصلاً نیاز به تحقیق و تفکر نیست. از این گذشته در بخش عمومی که

.....

.....

.....



داستان آن هم همانند مصاحبه بدو استخدام است. سوالات و پاسخ های آماده!

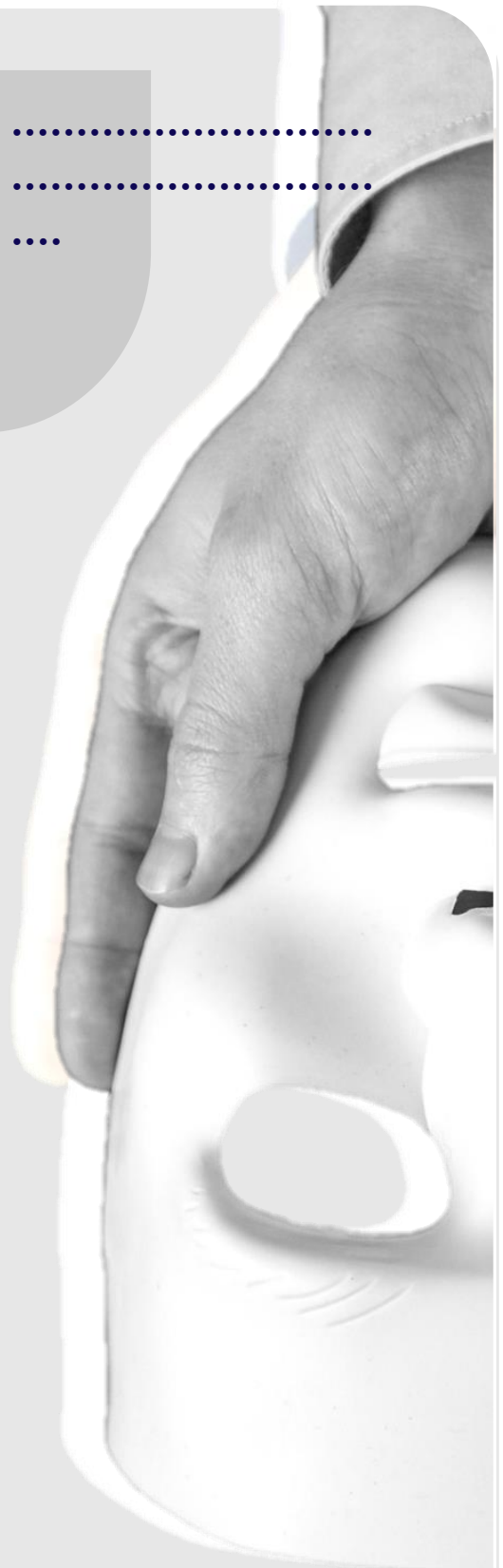
داستان مصاحبه در نظام آپ در واقع مسابقه بین بازیگران است. چه کسی بهتر می تواند دو رو باشد؟ چه کسی بهتر می تواند فیلم بازی کند و خودش را آن طور که سیستم می خواهد جلوه دهد؟ برنده اصلی دو روها هستند. افرادی که شاید اعتقادی به ظاهر و گفته هایشان در روز گزینش نداشته باشند اما بلد هستند تا ادای یک شخصیت خیالی مورد پسند آپ را در بیاورند.

البته با دقت در روند گزینش می فهمیم که نظام آموزشی کشور ما در واقع دنبال یک معلم پویا، خلاق و پایبند به اعتقادات نیست. در اصل نظام آموزشی ما دنبال ربات است. ربات هایی که هر روز بروند دانشگاه و حفظ کنند، بعد معلم شوند و بروند در مدرسه و عین یک ماشین ساعتی که منتظر زنگ پایان است، زیست داشته باشند و خبری از یک معلم پویا، مطالبه گر و پژوهشگر نیست بلکه ما فقط شاهد یک ربات که حفظیات را آموزش می دهد هستیم!

قرار نیست چون با فاجعه کمبود معلم روبه رو هستیم آن را با جذب افراد ناکارآمد جبران کنیم. با این کار شاید مشکل آموزش حل شود اما آیا مشکل تربیت و پرورش حل می شود؟ چگونه می توان آینده چندین نفر را به دست افرادی که خود نیاز به تربیت دارند سپرد! باید برای فرایند جذب معلم تدابیری اندیشیده شود و تغییرات قابل توجهی اعمال شود که نیازمند تفکر و خلاقیت است.

تا زمانی که نگاه آموزش و پرورش کشور ما یک نگاه ماشینی به معلم است و تمایل به تغییر سیستم خود ندارد و دنبال دوری از هر گونه صدا و حرف و حاشیه است؛ هیچ تحول مثبتی رقم نخواهد خورد و ما در واقع با کلمه تحول بازی می کنیم تا به اهداف شخصی خود برسیم.

.....
.....
....



فرار نخبگان، محصول ناکارآمدی سیستم آموزش

امیرعلی فرجی

دانشجویان، توسعه پژوهش‌های مسئله محور، جهت دهی منابع مالی تحقیقات متناسب با اولویت های کشور، آموزش و تربیت دانشجو در حوزه‌های علمی نوظهور، ساماندهی مؤسسات تحقیقات مهم کشور و افزایش سهم فناوری در تولید ناخالص داخلی و از همه مهم تر اجرای اصل سی ام قانون اساسی ناظر به سرحد خودکفایی آموزش عالی محورهای مورد توجه لایحه برنامه درحوزه آموزش، تحقیقات و فناوری است.

در لایحه برنامه هفتم توسعه، فصل بیستم تحت عنوان «ارتقای نظام علمی، فناوری و پژوهشی» در چهار بخش تحقیقات، پژوهش، آموزش، مرجعیت علمی و منابع مالی در قالب ۷ ماده، ۱۰ بند و ۵ تبصره تنظیم شده است. در این فصل احکام حوزه آموزش با ۴۴ درصد بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است.

بررسی احکام این بخش نشان داد که به احتمال زیاد برخی از احکام به دلیل بی توجهی به ملاحظات اجرایی پیچیده و ضعف جدی در مطالعات پشتیبان، در اجرا دچار چالش‌های اساسی شود.

تقویت همکاری های علمی و بین المللی، جذب دانشجوی خارجی، حفظ و نگاه داشت نخبگان، مهارت آموزی

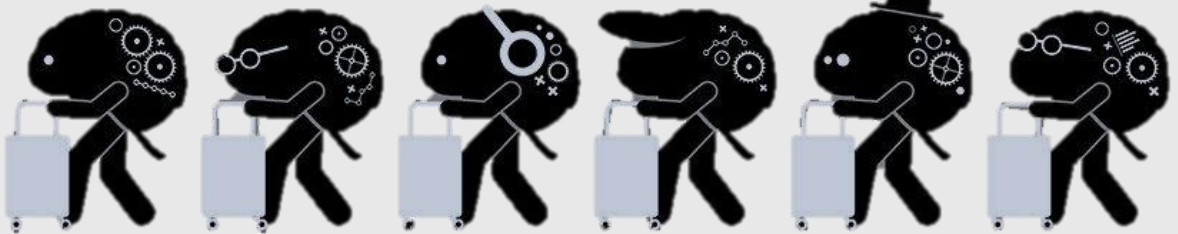


در این گزارش ضمن ارزیابی مثبت از برخی از اقدامات تحولی دولت در آموزش عالی، به دلیل روشن نبودن ابعاد متنوع برخی از مواد مهم، پیشنهاد شده است که این احکام در لایحه‌ای مستقل ازسوی دولت ارائه شود. در بخش دوم، موادی با موضوع افزایش مهارت آموزی نظام آموزش عالی، حمایت و بهره‌گیری از نخبگان ایرانی مهاجرت کرده در چرخه خدمت به کشور، ساماندهی منابع مالی مؤسسات پژوهشی به سمت نیازها و مسائل کشور، پیشنهاد سازوکاری جهت استفاده از وقف در آموزش عالی، تکلیف وزارتخانه‌ها به اصلاح آیین نامه ارتقای دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و الزام دستگاه‌های اجرایی به دریافت تأییدیه از دانشگاه‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و نیز تأکید بر مأموریت‌گرایی جهاد دانشگاهی، پیشنهاد شده است.

برای نمونه حکم ماده ۹۵ (به استثنای تبصره «۱» و «۲») و ماده ۹۶ (به استثنای بند «ث»)
لایحه درخصوص اجرای اصل سی ام قانون اساسی ناظر به سرحد خودکفایی آموزش عالی به دلیل پیش‌بینی ناپذیر بودن تأمین نیروی انسانی با توجه به تحولات سریع مشاغل و نیازهای کشور و عدم ارائه شاخص‌هایی از سرحد خودکفایی و همچنین محدود کردن حمایت‌های مالی دولت به افراد نخبه و مستعد و نبود تعریف روشن از این دو واژه و خدشه دار شدن عدالت قابل اجرا نخواهد بود.

لایحه برنامه پیشنهاد شده

<https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1778363#:~:text=>



سرویس

بین الملل

کرونا چه بر سر آموزش فنلاند آورد؟!

علی زاده محمدی



در فناوری شناخته شده است، زمانی که مدارس مجبور به بستن درهای خود شدند، به سرعت آموزش مجازی را پذیرفت.

در فنلاند حکومت و وزارت آموزش با ارائه نقشه راه اختصاصی برای آموزش مجازی، تلاش کردند تا بهترین شرایط آموزشی ممکن را برای دانش آموزان و دانشجویان فراهم کنند. در این نقشه راه ضمن ارائه آموزش مجازی، سعی شده بود تا نقاط ضعف و نیازمندی‌هایی که هنگام آموزش مجازی برای دانش آموزان و دانشجویان پیش می‌آید، شناسایی و مدیریت شوند. معلمان به سرعت سازگار شدند و از پلتفرم‌ها و ابزارهای موجود برای تغییر

در فنلاند حکومت و وزارت آموزش و پرورش با ارائه نقشه راه اختصاصی برای آموزش مجازی، تلاش کردند تا بهترین شرایط آموزشی ممکن را برای دانش آموزان و دانشجویان فراهم کنند. شیوع جهانی کرونا از ابتدای سال ۲۰۲۰ باعث شد که آموزش مجازی برای دانش آموزان و دانشجویان در بسیاری از کشورها به یکی از راه‌های ادامه آموزش تبدیل شود.

فنلاند که به دلیل سیستم آموزشی نمونه‌اش شناخته می‌شود، برای مدیریت بحران کرونا و پیشگیری از شیوع بیماری، کلاس‌های حضوری را تعطیل کرد و آموزش مجازی را مورد استفاده قرار داد که قبلاً نیز برای برخی دروس مورد استفاده قرار می‌گرفت. فنلاند که به دلیل سیاست‌های آموزشی قوی و سرمایه‌گذاری زیاد

مجازی و افزایش کیفیت آن همچنان ادامه دارد. چهارچوب آموزش مجازی دوران کرونا در فنلاند با توجه به شیوع ویروس کرونا، آموزش مجازی به عنوان روشی امن و پایدار برای انتقال دانش و آموزش در دانشگاه‌ها و مدارس در فنلاند در نظر گرفته شد. چهارچوب آموزش مجازی دوران کرونا در فنلاند شامل موارد زیر است:

- ۱) ارائه آموزش مجازی برای دانشجویان در دانشگاه‌ها و مدارس
- ۲) بازگشت به آموزش حضوری در صورت کاهش شیوع ویروس کرونا
- ۳) تامین دسترسی به ابزارهای آموزش مجازی مانند (LMS سیستم مدیریت یادگیری) و ویدئو کنفرانس برای دانشجویان و معلمان
- ۴) تشویق به برگزاری امتحانات آنلاین و همچنین امکان ثبت نام در دوره‌های آموزشی آنلاین
- ۵) تخصیص منابع کافی به آموزش مجازی، از جمله تجهیزات و فناوری‌های لازم برای برگزاری کلاس‌های مجازی
- ۶) در نظر گرفتن مسائل فرهنگی و اجتماعی دانشجویان در برنامه‌های آموزشی و پشتیبانی از آنها با استفاده از ابزارهای آموزش مجازی

کلاس‌های درس سنتی به محیط‌های آموزشی آنلاین استفاده کردند. برای کمک به دانش آموزان و ایجاد بستری مناسب برای آموزش مجازی، معلمان با دانش آموزان به صورت آنلاین در ارتباط بودند و به کمک فناوری‌های تصویری و صوتی، دروس را برای دانش آموزان تدریس می کردند. همچنین تمرین‌های متنوع و فعالیت‌های آموزشی، در دسترس دانش آموزان بودند که با روش‌های متنوعی برای تحرک و تمرین فیزیکی نیز ترکیب شده بود.

چندین ابزار و سامانه برای آموزش مجازی در فنلاند وجود دارد که همگی با هدف فراهم کردن یک زمینه مناسب برای آموزش مجازی در دوران پاندمی کرونا طراحی شده‌اند. در بین این سامانه‌ها می‌توان به سامانه فنلاندی "Eduuni" اشاره کرد که یک پلتفرم آموزشی تخصصی برای دانشگاه‌های فنلاندی است، دروس مختلف را با استفاده از ابزارهای آنلاین مانند ویدئو کنفرانس، جلسات زنده و ابزارهای برنامه ریزی به صورت آنلاین ارائه می‌دهد و تدریس مجازی برای دانش آموزان دبستان و متوسطه در سطح ملی به کار گرفته شده است. در این روش آموزشی، دانش آموزان با استفاده از پلتفرم‌های آموزشی آنلاین مثل Moodle و Google Classroom به کلاس‌های مجازی خود متصل می‌شوند.

برای اطمینان از ارائه بهترین آموزش ممکن، دانشمندان فنلاند، سوئد، دانمارک، نروژ و کانادا را راهنمایی کرده و همچنین با فارغ التحصیلان و صنعتی‌ها برای اجرای این روش بهتر همکاری کرده‌اند. برای مدارس نیز سامانه "Wilma" طراحی شده است، که یک پلتفرم آموزشی برای مدارس فنلاندی است و به دانش آموزان و اعضای خانواده آن‌ها کمک می‌کند تا با مدرسه، اطلاعات درسی، رویدادها و تقویم مدرسه در ارتباط باشند. با استفاده از Wilma، دانش آموزان همچنین می‌توانند از برنامه‌های درسی، خدمات دانشگاهی و خدمات کتابخانه به صورت آنلاین بهره ببرند.

با توجه به جابجایی سریع از آموزش حضوری به آموزش مجازی می‌توان گفت که سیستم آموزش مجازی این کشور در دوران کرونا به خوبی عمل کرده است و برای دانش آموزان و دانشجویان فرصت آموزشی شایسته‌ای را فراهم کرده است به همین دلیل تلاش برای بهبود آموزش

بهبود خدمات آموزشی

برای اینکه دانشجویان راضی و مشتاق نحوه جدید یادگیری باشند، باید به آنها خدماتی ارائه داده شود. با بهره‌گیری از فناوری در ارائه خدمات آموزشی، می‌توان به کیفیت بیشتری دست یافت.

چالش‌های آن نیز شامل:

دسترسی به فناوری

همه دانش‌آموزان دسترسی یکسانی به دستگاه‌ها و اتصالات اینترنت پرسرعت در خانه نداشتند. این شکاف دیجیتالی باعث ایجاد نابرابری در فرصت‌های یادگیری شد و برخی از دانش‌آموزان در تلاش برای شرکت کامل در درس‌ها و فعالیت‌های آنلاین هستند.

تعامل

حفظ توجه و مشارکت دانش‌آموزان در کلاس‌های درس مجازی یک چالش بود. فقدان تعامل چهره به چهره و حواس پرتی‌های بالقوه در



بدین ترتیب، چهارچوب آموزش مجازی در دوران کرونا در فنلاند، همراه با تامین دسترسی به تکنولوژی‌های لازم و پشتیبانی دانشجویان و معلمان، سعی در ادامه فرایند آموزش و یادگیری به صورت پایدار و امن دارد.

در ادامه برخی مزایا و چالش‌های آموزش مجازی در فنلاند به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرند که مزایای آن شامل:

افزایش انعطاف‌پذیری

آموزش مجازی افزایش انعطاف‌پذیری سیستم آموزشی را در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد. دانشجویان می‌توانند در هر زمانی که می‌خواهند به دنبال تحصیلات خود بروند و نیازی به شرکت در کلاس‌های حضوری ندارند.

کاهش هزینه‌های آموزش

آموزش مجازی به سازمان‌ها کمک می‌کند تا هزینه برگزاری کلاس‌های حضوری را کاهش دهند. این هزینه شامل حمل و نقل، سالن و تجهیزات مورد نیاز است.

امکان دسترسی به منابع آموزشی

دسترسی آسان به منابع آموزشی از طریق آموزش مجازی، برای دانشجویانی مفید است که به دلیل محدودیت‌های زمانی و مکانی نمی‌توانند به کتابخانه‌های دانشگاه مراجعه کنند. با آموزش مجازی، دانش‌آموزان می‌توانند با سرعت، به مطالب درسی دسترسی پیدا کرده و مجدداً از آن بازدید کنند و یادگیری خود را تسهیل کنند.

اطمینان از اینکه همه دانش آموزان می توانند به طور کامل از آموزش مجازی بهره مند شوند.

همکاری مردم و دولت

برای آموزش مجازی

دوران کرونا در فنلاند

در فنلاند همکاری مردم و دولت برای آموزش مجازی در دوران کرونا به خوبی مشهود است. دولت فنلاند در ابتدا به شیوه های جدید آموزشی



برای دانش آموزان پرداخت و آموزش مجازی را در سراسر کشور پیاده کرد. به عنوان مثال، دولت برای دانش آموزانی که فاقد اینترنت بودند، دستگاه های جدیدی را فراهم کرد تا بتوانند به آموزش مجازی دسترسی داشته باشند. همچنین، دولت از شرکت های بزرگ فنلاندی نظیر Samsung و Nokia

ارزیابی موثر درک و پیشرفت دانش آموزان کند.

رشد حرفه ای معلمان

معلمان با نیاز به توسعه حرفه ای مستمر برای تطبیق مؤثر روش های تدریس خود با محیط کلاس مجازی مواجهه بودند. آموزش تکنیک های تدریس آنلاین، ابزارهای دیجیتالی و رویکردهای آموزشی ضروری بود، اما نیازمند زمان و منابع بود.

خانه می تواند منجر به کاهش تمرکز و مشارکت شود.

تعامل اجتماعی

کلاس های درس سنتی فرصت های ارزشمندی را برای تعامل اجتماعی و همکاری با همسالان فراهم می کند، که ممکن است در آموزش مجازی مانع شود. تعامل محدود بین دانش آموزان می تواند بر مهارت های کار گروهی و رشد اجتماعی تأثیر بگذارد.

یادگیری عملی

برخی موضوعات، مانند علوم مبتنی بر آزمایشگاه یا آموزش حرفه ای عملی، ممکن است برای تکرار در یک محیط مجازی چالش برانگیز باشد. تجربیات یادگیری عملی که به منابع و تجهیزات فیزیکی نیاز دارند ممکن است به خطر بیفتند.

روش های ارزیابی

تطبیق روش های ارزیابی با پلتفرم های آنلاین می تواند پیچیده باشد. امتحانات و ارزیابی های سنتی ممکن است نیاز به بازاندیشی داشته باشند و معلمان را ملزم به استفاده از اشکال جایگزین ارزشیابی برای

با وجود این چالش ها، سیستم آموزشی فنلاند با پذیرش سریع آموزش مجازی در دوران کرونا، انعطاف پذیری خود را نشان داد. این تجربه زمینه هایی را برای بهبود برجسته کرده است، مانند کاهش شکاف دیجیتالی، تقویت استراتژی های تعامل، و توسعه شیوه های فراگیر برای

برای تامین دستگاه‌هایی برای آموزش مجازی استفاده کرد. علاوه بر این از آنجا که والدین در طول دوران کرونا باید بیشتر از قبل به تحصیلات و فرایند آموزشی فرزندانشان توجه کنند، دولت و مدارس برای آنها دوره‌های آموزشی آنلاین رایگان را ارائه دادند تا بتوانند بهترین تجربه را از فرایند آموزشی فرزندانشان بدست آورند. پایداری و همکاری مردم و دولت در فنلاند، به دلیل سطح بالای آموزش و فرهنگ تحصیلی تضمینی برای موفقیت در استفاده از آموزش مجازی است. نتیجه: آموزش مجازی در دوران کرونا نقش مهمی در فنلاند ایفا کرد و تداوم یادگیری را با وجود بسته شدن مدارس تضمین کرد. فنلاند با استقبال سریع از یادگیری آنلاین، توانست اختلال در آموزش را به حداقل برساند و تداوم یادگیری را تضمین کند. همانطور که فنلاند به آینده نگاه می‌کند، درس‌های آموخته شده از این دوره بدون شک ادغام آموزش مجازی در سیستم سنتی آن را شکل می‌دهد و آن را انعطاف پذیرتر و سازگارتر با چالش‌های آینده می‌کند.

منابع

آژانس ملی آموزش فنلاند. (۲۰۲۰). آموزش از راه دور در فنلاند در طول بحران COVID-۱۹ مشاهدات اولیه برگرفته

https://www.oph.fi/sites/default/files/documents/distance-edu%3ATop%20of%20Form%20education-in-finland-during-covid19_initial-observations.pdf

OUPblog، (۱۸ اوت ۲۰۲۱) چرا مدارس فنلاند با یادگیری از راه دور و حضوری در طول همه گیری ایمن همه موفق بودند؟ برگرفته از <https://blog.oup.com/2021/08/why-were-finnish-schools-so-succ>

موفقیت به آی کیو بالا ارتباطی ندارد!

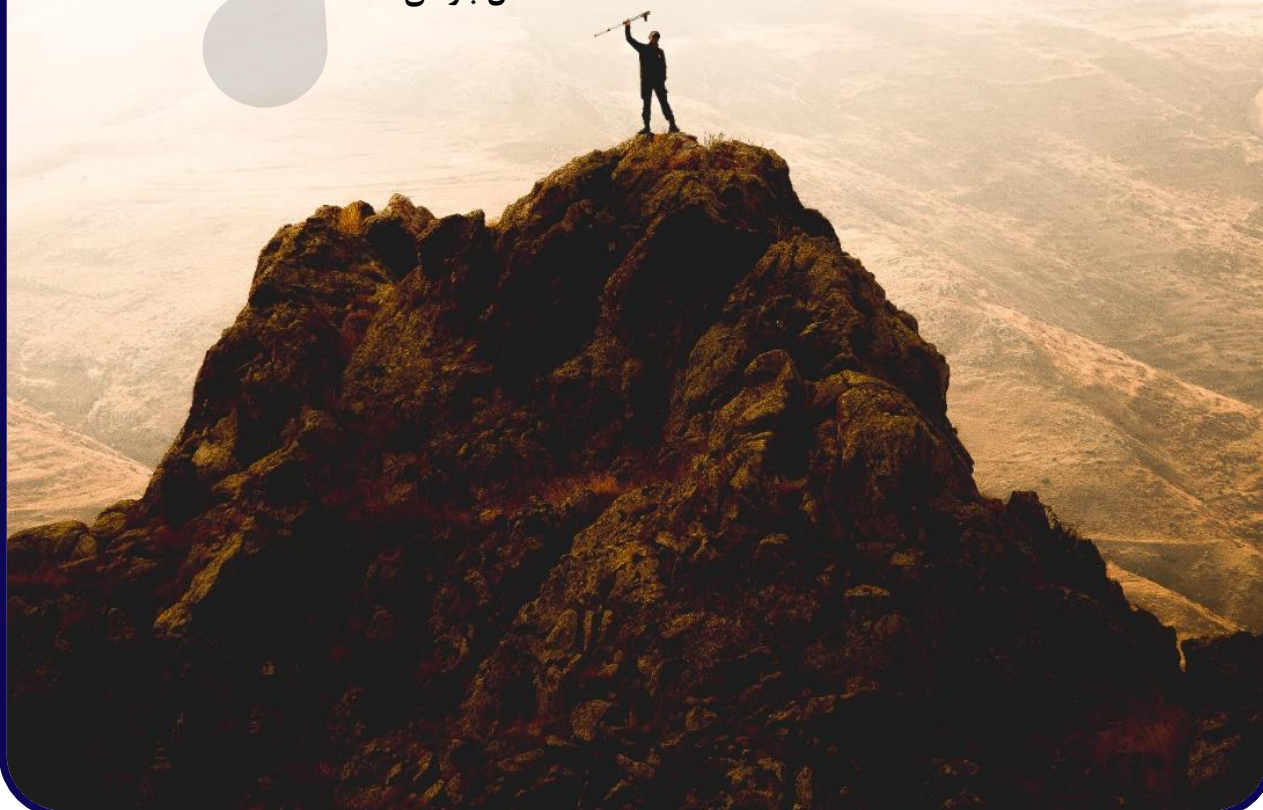
مبینا ولاشجردی

به نظر ژاپنی‌ها همه کودکان توانایی یادگیری مطالب را دارند و تلاش، پشتکار و انضباط شخصی موفقیت تحصیلی را تعیین می‌کند نه توانایی علمی. در واقع به عقیده آنان مطالعات و عادت‌های رفتاری، خود نوعی آموزش هستند.

در کشور ما برچسب‌های تنبل، ضعیف، بی انضباط و... بر روی دانش آموزان چسبانده می‌شود همچنین جدایی سازی آنان در ۱۸ نوع مدرسه، خود به خود این تلقی را قوت می‌بخشد که او قدرت یادگیری ندارد و از چرخه سالم تحصیل و اشتغال باز می‌ماند.

دیدگاه هر جامعه‌ای نسبت به هر امری، مسیر حرکت و سیاست‌های دولت و مردم آن جامعه را تشکیل می‌دهد. در این گزارش به بررسی تفاوت دیدگاه ژاپنی‌ها و ایرانی‌ها به امر یادگیری کودکان پرداخته می‌شود.

باور، روش یا اُسلوب خاص یعنی همان چیزی که بدان ایمان دارید و آن را در مسیر حرکت خود به کار می‌گیرید. این باور هم برای افراد و هم برای جامعه با میل و اراده و یا حتی به طور ناخواسته، منطق و روش حرکت قلمداد می‌شود. در نهایت فرد به جایی می‌رسد که الفبای آن را خود دیروز ترسیم کرده است.



ژاپنی‌ها برخلاف تصور حاکم در جامعه ما، که معتقدیم مدرک تحصیلی و بالا بودن درجه آن بیانگر توان علمی یک فرد است و در انتصابات و انتخاب‌ها به آنها اهمیت زیادی داده می‌شود؛ بر این باور هستند که تلاش، پشتکار، مطالعه و عادات رفتاری اهمیت زیادی دارند و آنان همه این موارد را آموزش می‌نامند.

از نظر ژاپنی‌ها مطالعه و عادات‌های رفتاری آموزش نامیده می‌شوند و از نظر ما توانایی دانش آموز در حفظ دروس و نمره ۲۰ بیانگر برتری یادگیری و توانمندی اوست.

با کمی بررسی می‌توان متوجه شد که ارجحیت یک باور و یا دیدگاه، به همین سادگی به مرور زمان به فرهنگ عمومی تبدیل می‌شود که ارزش‌های یک جامعه را جهت رسیدن به رشد و توسعه تشکیل را می‌دهد. ما از انتخاب و بکارگیری این دیدگاه درست و منطقی غافلیم؛ دیدگاهی که نتایج بلندمدت آن فرهنگ و اقتصاد و آموزش یک کشور را به برتری می‌رساند و مقبولیت جهانی بدان می‌بخشد. ما از درد اکنون زدگی نتیجه‌گیری سریع از فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود نیز رنج می‌بریم.

ما به خود نتیجه می‌اندیشیم و مسیر انتخاب شده را تجزیه و تحلیل نمی‌کنیم و یا به صحت و سلامت مسیر بی‌اعتنائیم. ما فقط روی هدف پرمفعت خود می‌اندیشیم. اما ژاپنی‌ها برای رسیدن به هدف تعیین شده نیز ابزار سالم و لازم را انتخاب می‌کنند. آنان معناگرا و اخلاق‌گرا و ما هدف‌گرا هستیم. آنان دنبال منافع فردی نیستند بلکه از تأمین منافع جمع لذت می‌برند و ما...؟!

بنابراین خصوصیات اخلاقی به اجتماعی شدن کودکان کمک کرده و از یاس و ناامیدی جلوگیری می‌کند. از دیگر ویژگی‌های برجسته سیستم آموزشی ژاپن کاهش استرس دانش‌آموزان و افزایش احساس شادی و رضایت در آنها است. افزایش مهارت‌های غیرشناختی مانند پشتکار، خودکنترلی، کنجکاوی، دیانت و اعتماد به نفس نیز موجب می‌شود کودک ژاپنی بیش از ۱۰ ساعت در هفته تمرین ریاضی داشته باشد و از

تفاوت در اکسیر موفقیت

تکالیف خود خسته نشود. پس دلایل موفقیت به آی‌کیو بالا ربطی ندارد و مهارت‌های غیرشناختی راز موفقیت آنهاست است.

از دیگر موارد سیستم آموزشی ژاپن "هویت گروهی" است. یعنی شما با کلاس خود همراه هستید و با کلاس خود فارغ‌التحصیل می‌شوید و هیچ تبعیضی بین دانش‌آموزان وجود ندارد. طی سال‌های تحصیلی از مهدکودک تا دانشگاه ژاپنی‌ها خوشحال و سالم هستند. توجه به نحوه تربیت مادران در ژاپن حداقل این نکته را ثابت می‌کند که قبل از نتایج عملکردی معلمان برای جامعه‌پذیری کودکان، نقشی کلیدی و حساسی وجود دارد که

هر چند انتقادات زیادی به سیستم آموزشی ژاپن وارد شده است، اما برخی از کشورهای اروپایی نیز از این سیستم پیروی می‌کنند. اما عامل موفقیت کودکان ژاپنی چیست؟ اصلی‌ترین عامل در این مورد وابستگی مادر و فرزند از بدو تولد است و چگونگی پرورش و آموزش کودکان ژاپنی توسط مادر تا ورود به مقطع تحصیلی بسیار اهمیت دارد.

در تحقیقات صورت گرفته مشخص شده بسیاری از کودکان در سنین مدرسه بسیار دلیر، کنجکاو و خودکفا بوده و مهارت‌های غیرشناختی در آنان ارتقا یافته است.



خمیرمایه توانایی‌های کودک را شکل می‌دهد. بهشت زیر پای مادران است شاید تعبیری درست برای تربیت کودکان یک جامعه باشد. این بهشت فقط به بهانه به دنیا آوردن، مراقبت، نگهداری و بزرگ کردن کودکان به مادران هدیه نمی‌شود بلکه به دلیل چگونگی و نحوه تربیت و آماده سازی کودک برای جامعه، به او داده می‌شود.

نتیجه تحقیقات در ژاپن نشان داده است که بسیاری از کودکان در سن مدرسه بسیار دلیر، کنجکاو و خودکفا بوده و مهارت‌های غیرشناختی در آنان ارتقا یافته است، در نتیجه این خصوصیات اخلاقی به اجتماعی شدن کودکان کمک کرده و از یأس و ناامیدی پیشگیری می‌کند اما کودکان ما هنگام رفتن به مدرسه و روزهای آغازین آن دارای روی گریان و ترسان هستند. آنان از آغوش گرم مادر و مهربانی‌های او که امکان لوس شدن را به آنها می‌داد جدا شده و در بستر اجتماعی بیگانه که محل یادگیری و انضباط خشک است قرار گرفته‌اند. این عدم تناسب، خاطره تلخ روز اول مدرسه را تا آخر عمر برای او زنده نگه می‌دارد. کودکان ما از همان دوره ابتدایی، غمگین، افسرده، دلگیر و پژمرده‌اند. کودکان ما مهارت‌های غیرشناختی مانند پشتکار، خودکنترلی، کنجکاوی، دیانت و اعتماد به نفس را از تربیت مادران خود فرا نمی‌گیرند و از بطن نظام آموزشی و تلاش معلمان نیز چیز زیادی نمی‌آموزند. کودکان ما به حال خود رها هستند و آنان می‌بایست با ویژگی‌های فردی و تلاش و همت خودشان، خودی نشان دهند و متمایز شود. اما در ژاپن برای این کار، بستر مناسب قبلاً در خانواده آماده می‌شود. ژاپنی‌ها به دور از استرس، نگرانی و بدون هر نوع تبعیضی با شادی تحصیل می‌کنند اما آموزش در ایران همراه با استرس و به دور از نشاط، شادی و در اوج تبعیض صورت می‌گیرد. شرایط متفاوت برای دو ملت از همین مدرسه از زمین تا آسمان

هویدا است. داده‌های ما برای نظام آموزشی با ملتی که در هر زمینه ممتاز است، اصلاً همخوانی ندارد و تضاد بین ما و ژاپنی‌ها از همین جا مشهود است.

منابع

sedayemoallem.ir
http://old.alef.ir





راهبرد آموزشی ترکیه باید تغییر کند؛

دانش آموزان اسب‌های مسابقه نیستند!

آموزش واقعا شگفت انگیز است، زیرا در تمامی موارد ویژگی‌ها و اصول خودش را دارد و نمی‌توان مانند بسیاری از دانش‌ها با تجمیع داده‌های تئوری یا میدانی بطور قطعی موفقیت یا شکست یک نظام آموزشی را ابراز کرد. در واقع تا وقتی یک سیستم آموزشی بطور کامل و همه جانبه پیاده سازی نشود نمی‌توان گفت که خوب است، باید بهتر شود یا حتی دچار مشکلاتی نیز می‌باشد. برای اینکه بتوانیم دید بهتری از فضای آموزش ملی جمهوری ترکیه داشته باشیم در این شماره به بررسی برخی چالش‌های موجود می‌پردازیم.

چالش‌های آموزشی ترکیه

در دنیایی که پیشرفت‌های فناوری به سطحی باورنکردنی رسیده است، تجدید در حوزه آموزش اجتناب‌ناپذیر شده است. ما نمی‌توانیم مستقل از فناوری به آموزش فکر کنیم. آموزش مهمترین مفهومی است که باید در کنار تکنولوژی مورد توجه قرار گیرد. توسعه آموزش به فناوری بستگی دارد و توسعه فناوری به آموزش. از این رو ایجاد تغییرات اساسی در عرصه آموزش در مواجهه با فناوری در حال توسعه، به یکی از الزامات عصر تبدیل شده است.

برنامه درسی، اشتباهات کتاب‌های درسی و محتوای وجود دارد و این چالش‌ها نیز همچنان ادامه دارد. آیا حل این چالش‌ها را می‌توان در این صفحات فهرست کرد؟ هرگز! این بسیار دشوار است!

چند پیشنهاد

- ۱ استعداد نامزدهای آموزش معلمی در سنین پایین باید مشخص شود.
- ۲ دبیرستان‌ها برای تربیت معلم باید از دبیرستان‌های دیگر جدا شوند یا به عبارتی هویت تربیت معلم شاخص شود.
- ۳ باید قانونی برای شناسایی و آموزش دانش آموزان مستعد وضع شود.
- ۴ برابری فرصت‌ها باید در آموزش و پرورش تضمین شود.
- ۵ OKS و OSS باید تجدید نظر شوند؛ در نظر گرفتن دانش آموزان به عنوان "اسب‌های مسابقه" پایان داده شود و به توسعه فراگیر بیشتر از امتحانات پرداخته شود.
- ۶ به جای ارائه اطلاعات آماده به دانش آموز، فرایند آموزشی و پرورشی دانش آموز جهت دسترسی و استفاده از اطلاعات فراهم شود.
- ۷ به هنگام برنامه ریزی به تفاوت هوش دانش آموزان توجه شود و افراد با ویژگی‌های متفاوت به جای یک نوع رویکرد تربیتی، در راستای هوش و منافع قابل حصول خود آموزش ببینند.
- ۸ تعداد مدارس و کلاس‌ها باید افزایش یابد، تعداد فراگیران کلاس‌ها باید به کمتر از ۳۰ نفر کاهش یابد.
- ۹ معلمان کاندید باید با تجهیزات حرفه‌ای خود از دانشگاه فارغ التحصیل شده باشند.

در این زمینه نمایه انسان معاصر به عنوان فردی تعریف می‌شود که تحصیلات خوبی دارد، می‌تواند بیش از یک زبان خارجی صحبت کند، دائماً خود را بروز می‌کند، می‌تواند در مدت زمان کوتاهی به اطلاعات دسترسی یابد و حتی داده‌هایی که دریافت می‌کند را زیر سوال ببرد. کسی که از تغییر و تحولات جهان آگاه است و در کنار آن از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی خود پاسداری کند زیرا عصری که ما در آن زندگی می‌کنیم عصر تکنولوژی است و دور ماندن از تحولات تکنولوژی معادل ایستادگی می‌باشد. به این دلایل شیوه‌های آموزشی و تربیتی، مدیریت و محتوا، اهداف و راهبردهای آن باید به طور کامل مورد بازنگری قرار گیرد. معیارهای آموزشی جدید ترکیه موازی با فناوری در حال توسعه است. دانش، شرایط فیزیکی، فعالیت‌های اجتماعی- فرهنگی و ورزشی، نباید در روند اتحادیه اروپا از کشورهای در حال توسعه عقب بماند. در سیستم آموزشی ترکیه دارای چالش‌هایی چون نمرات پایین دانشکده‌هایی که معلمان را تربیت می‌کنند، ناکافی بودن آموزش داده شده در دانشگاه، واگذاری، حقوق شخصی، عدم دقت فرآیند نامزدی تا توسعه حرفه‌ای، سیستم امتحانی،

به علت طولانی بودن مطالب فعلا به موارد گفته شده اکتفا می‌کنیم. هدف اصلی از این پژوهش این است که بدون کلافه شدن و خستگی از مطالعه لذت ببریم، بیشتر بدانیم و بهتر زندگی کنیم.

لازم به ذکر است که رویکرد پژوهشگر در این شماره رویکرد اجتماع محور می‌باشد، به عبارتی از میان آنچه در کالبد اجتماع بیان می‌شود مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به منبع آورده شده در انتهای این نوشته مراجعه کنید. برای بهبود کیفیت مطالعات و پژوهش‌ها آماده دریافت هرگونه نظر، انتقاد و پیشنهاد هستیم. در صورت وجود تجربه‌ای در این زمینه، ما را از دانسته‌های خود محروم نفرمایید.

منابع

<https://seckinkoleji.com/haberler.php?id=811>

محمدحسین جوادی



تمیز کردن بهانه است!

صبا علی جان طرقي

در مدارس ژاپن به عنوان بخشی از آموزش به بچه ها یاد می دهند که محیط اطرافشان را تمیز نگه دارند. اگر هر شخصی به نوبه خود مراقب فضایی که در آن با دیگران سهیم است باشد همیشه در محیطی هماهنگ زندگی خواهد کرد.

اگر هر شخصی به نوبه خود مراقب فضایی که در آن با دیگران سهیم است باشد همیشه در محیطی هماهنگ زندگی خواهد کرد. این ذهنیت به بچه ها احترام و مسئولیت پذیری را می آموزد. بنابراین بچه ها خودشان را از این مسئولیت جدا نمی بینند و در مقوله نظافت به یکدیگر کمک می کنند.

دانش آموزان در مدرسه نهار می خورند و بعد از غذا میز را تمیز کرده، زباله را داخل زباله دان می ریزند و بطری های شیر را برای بازیابی جمع آوری می کنند.

مشترک است و همه مسئول حفظ آن هستند. این رویکرد اجتماعی به دانش آموزان کمک می کند تا استقلال، مسئولیت پذیری و اخلاق را بهتر یاد بگیرند. در واقع دانش آموزان از سنین پایین می آموزند که برای داشتن محیط زندگی تمیز خودشان باید تلاش کنند و همه در برابر آن مسئول هستند.

در مدارس ژاپن به عنوان بخشی از آموزش به بچه ها یاد می دهند که محیط اطرافشان را تمیز نگه دارند.

نظافت مدارس در ژاپن بهانه ای برای فرهنگسازی است. نظافت مدارس توسط دانش آموزان در ژاپن یکی از ویژگی های شاخص و مشهور نظام آموزش و پرورش ژاپن به شمار می رود. دانش آموزان در ژاپن موظف هستند هر روز به مدت ۱۵ دقیقه مدرسه خود را تمیز کنند. از نظر ژاپنی ها و البته عده ی بسیار دیگری این کار یک مفهوم عالی را در بچه ها نهادینه می کند و از دوران کودکی به آنها می آموزد که فضای عمومی یک فضای

دانش آموزان حتی در داخل کلاس همراه با معلم نیز نهار می‌خورند. این کار باعث قوی شدن رابطه بین معلم و دانش آموز می‌شود. هنگام نهار بچه‌ها وظیفه دارند از معلم پذیرایی کنند چون هیچ نیروی خدماتی در مدرسه وجود ندارد. بعد از نهار همه جا تمیز و پاکیزه می‌شود به طوری که فکرش را هم نمی‌کنید که قبلاً در این مکان غذا خورده شده است. علاوه بر این در مدارس به بچه‌ها یاد می‌دهند که چگونه غذاهای ساده درست کنند. این روش آموزش به بچه‌ها کمک می‌کند تا استقلال و مسئولیت و اخلاق کاری را بیاموزند. واقعیت این است که تمیز کردن بهانه است و اصل این عمل اهمیتی ندارد بلکه برای ژاپنی‌ها این مهم است که به وسیله‌ی این فعالیت چیزی فراتر از تمیزی را به بچه‌ها بیاموزند. واقعیت این است که به آنها آموزش داده می‌شود که به عنوان یک تیم در مراقبت از محیط خود تلاش کنند. این کودکان وقتی بزرگتر می‌شوند همچنان به فضای اطراف خود احترام می‌گذارند و از آن مراقبت می‌کنند. آنها هرگز این عادت خوب را فراموش نمی‌کنند.

وظیفه تمیز کردن فقط ابزاری است برای آموزش یک عادت به آنها. معلم سابق ژاپن چه می‌گوید؟ ایکل آسلین، معلم سابق انگلیسی در ژاپن در این رابطه می‌گوید: «مدرسه فقط برای یادگیری یک کتاب نیست، بلکه در مورد یادگیری نحوه تبدیل شدن به عضوی مسئولیت پذیر در جامعه است.» هدف مدرسه دولتی، آموزش همه جنبه‌هاست، نه فقط کتاب آموزی آنها قرار است برای زندگی تربیت شوند و در آینده هیچ کس نمی‌تواند ذهن آنها را پاکسازی کند یا تغییر دهد بنابراین بهتر است این کار را همین الان یاد بگیرند.

بسیار مهم است. دانش آموزان از این طریق مسئولیت پذیر می‌شوند پس بهتر است از سنین پایین این کار عملی شود. در مدرسه این دانش آموز نظافت کلاس را بر عهده دارد و او از این بابت بسیار راضی است.

پیشنهاد تکمیل کننده

این فوق العاده است که به دانش آموزان در سنین پایین آموزش داده می‌شود که از محلی که هر روز استفاده می‌کنند مراقبت کنند. این به آنها می‌آموزد که مسئولیت فردی در قبال جامعه ای که در آن هستند دارند اما به هر حال مشکلی که می‌تواند وجود داشته باشد این است که به هر حال کودکان کودک هستند



مصاحبه با دانش آموز کلاس هشتم ایرانی درباره نظافت کردن مدرسه

و نمی‌توانند مانند یک حرفه‌ای به تمیز کردن مدرسه بپردازند پس بهتر است در کنار این آموزش و فرهنگسازی یک نظافتچی نیز به آن‌ها کمک کند تا به لحاظ بهداشتی دچار مشکل نشوند.

از نظر وی نظافت کردن مدرسه توسط دانش آموزان

همچنین به جهت اینکه کار با مواد تمیزکننده و ضدعفونی کننده ممکن است باعث ایجاد حساسیت و ناراحتی‌های تنفسی و پوستی شود توصیه می‌کنیم به جهت ضدعفونی از دستمال نانو به جای وایتکس و سایر شوینده‌ها استفاده شود. این دستمال‌ها قابلیت ضدعفونی سطوح تا ۹۹ درصد را دارا هستند و تنها کافیست کمی مرطوب شوند.

نیاز آموزش و فرهنگسازی

نظافت توسط دانش آموزان در زندگی حال حاضر و آینده دانش آموزان بسیار موثر است و مدرسه زمینه‌ای ضروری برای به سرانجام رساندن این هدف است بنابراین ضروری است تا به والدین و دانش آموزان یادآوری شود که این عمل به نفع فرد، خانواده و جامعه است.

منابع

<https://nanoclean.ir/>

<https://www.parsnaz.com/> همکاری-دانش-

آموزان-ژاین

سرویس

اجتماعی

آموزش رایگان،

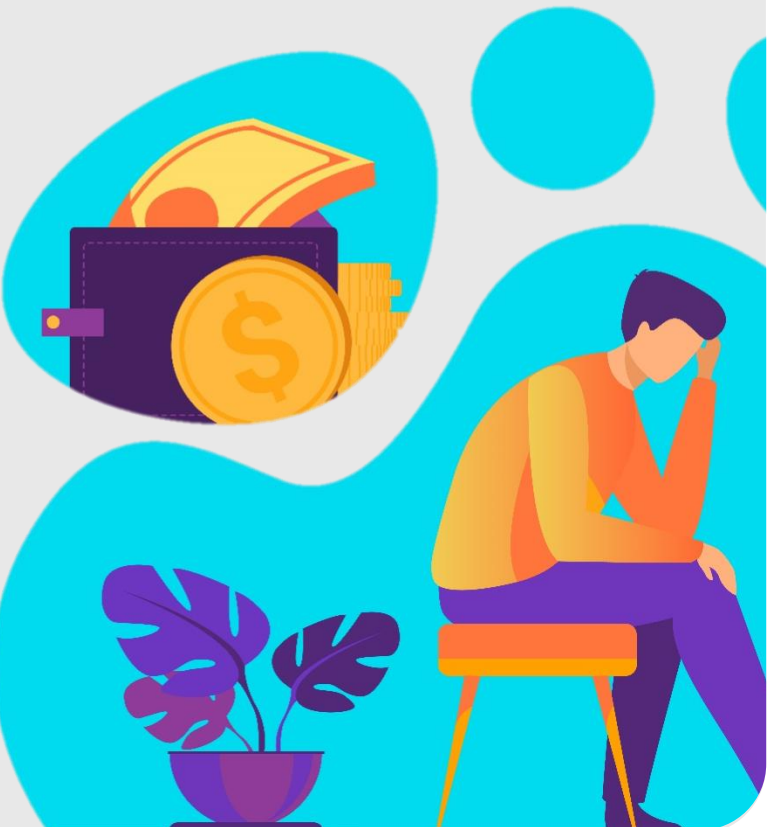
از تصویر زیبا تا حقیقت تلخ

حق اساسی بلکه وظیفه اخلاقی و قانونی می‌باشد. این تعهد به توسعه‌ی دانش و توانایی‌های جوانان کشور، پایداری اقتصادی، و رشد کمی و کیفی جامعه کمک می‌کند.

در دنیای آموزش و ارتقاء دانش، تصویری از آموزش رایگان به عنوان یک آرمان زیبا و نادر مورد پسند است اما وقتی با واقعیت‌های تلخ در این سیستم روبرو می‌شویم، شاهد نابرابری‌های متعددی در حوزه آموزش خواهیم بود. در این گزارش به بررسی و ارائه راه حل برای این معضل پرداخته می‌شود.

آموزش به عنوان یکی از ارکان مهم توسعه اجتماعی و اقتصادی، نقش بسیار حیاتی در توانمندسازی جوامع و تداوم و رشد پایدار اقتصادی دارد. مقامات اجرایی و تصمیم گیران کشور به طور مداوم پشتوانه آموزش رایگان در تمامی مقاطع تحصیلی به حساب می‌آیند. تأمین آموزش رایگان به همگان بدون تبعیض نه تنها یک

مسائلی مانند محدودیت‌های مالی، نبود زیرساخت‌های لازم و سیاست‌های آموزشی ناسازگار می‌توانند این آرمان زیبا را به یک حقیقت تلخ تبدیل کنند. این شعاری که در آموزش و پرورش به گوش می‌رسد (آموزش باید رایگان باشد) این روزها دیگر شعاری تو خالی محسوب می‌شود. با آمارهایی که این روزها از آزمون کنکور به گوش می‌رسد درصد بالایی از رتبه‌های برتر از مدارس شهریه پرداز و غیر انتفاعی‌ها هستند، با این حال دانش آموزانی که در مدارس دولتی درس می‌خوانند به ناچار طی سال‌های آینده برای اینکه وارد رقابت کنکور شوند و موفقیت درسی را برای خود





تأمین آموزش رایگان در یک کشور نیازمند چالش‌های گسترده از سوی دولت و اقشار مختلف جامعه است، این مسئله می‌تواند به مراحل زیر تقسیم شود:

منابع مالی

دولت باید منابع مالی کافی را برای تأمین هزینه آموزش اختصاص دهد. این منابع معمولاً از مالیات‌ها، درآمدهای نفتی یا سایر منابع دولتی تأمین می‌شوند. افزایش تأمین منابع مالی برای آموزش می‌تواند از طریق اصلاح سیاست‌های مالی و اقتصادی صورت گیرد.

سیاست‌ها و قوانین

ایجاد و اجرای سیاست‌ها و قوانین مرتبط با آموزش رایگان از اهمیت بسیاری برخوردار است. این سیاست‌ها باید شامل تأمین آموزش رایگان از پیش دبستانی تا دانشگاه، ارتقاء دسترسی به آموزش برای افراد با نیازهای ویژه و ایجاد برنامه‌های حمایتی برای خانواده‌های با درآمدهای پایین باشند.

به ارمغان بیاورند مجبور به پرداخت هزینه‌های نجومی در مدارس یا موسسات کنکوری می‌شوند.

تجربه شخصی بنده در مدارس خوب تهران این را نشان می‌دهد که بالاتر رفتن هزینه‌های آموزش تحت عنوان آموزش بهتر، باعث کنار کشیدن دانش آموزان با استعداد دهک پایین از درس خواندن می‌شود و ضربه زیادی را به این گروه از جامعه وارد می‌کند. به شخصه شاهد استعدادهایی در مدارس دولتی بودم که اگر زمان و برنامه‌ای را که در مدارس غیرانتفاعی برای دانش آموزان قرار داده می‌شود برای این اشخاص قرار بدهیم می‌توانیم موفقیت را برای آنها تضمینی بدانیم. واقعیت را باید پذیرفت که مدارس غیر انتفاعی در تهران و سایرکلان شهرها به شدت زیاد شده‌اند و هزینه‌های آنها نیز بسیار بالاست؛ حتی دیده شده مدارس در تهران بالغی بالای ۸۰ میلیون از دانش آموزان گرفته می‌شود.

در این چنین مدرسی، چه تعداد دانش آموز از دهک پایین حضور دارند؟ آیا فکری برای اختلاف طبقاتی که این مدارس ایجاد می‌کنند شده است؟ زمانی که شعاری می‌دهیم باید زمینه‌های عملی شدن آن را نیز فراهم کنیم. در این شعارها تا دلتان بخواهد صدا به گوش می‌رسد ولی در نتیجه آن عملی دیده نمی‌شود.

تعیین اولویت‌ها

دولت باید اولویت‌های آموزشی خود را مشخص کند و به توجه به نیازها و اولویت‌ها، بودجه را تخصیص دهد. این شامل تأمین آموزش ابتدایی، ثانویه، عالی، حرفه ای، و آموزش‌های ویژه می‌شود.

زیرساخت‌ها و منابع آموزشی

ایجاد و بهبود زیرساخت‌های آموزشی مانند مدارس و دانشگاه‌ها، تأمین کتب و منابع آموزشی به دانش آموزان و دانشجویان، و تأمین وسایل آموزشی و تجهیزات لازم مهم است.

تعامل با جوامع محلی

همکاری با اقشار مختلف جامعه و جوامع محلی برای تأمین منابع و حمایت از آموزش رایگان اهمیت دارد. این شامل همکاری با سازمان‌های غیرانتفاعی، کمک به ایجاد بورس‌ها و برنامه‌های حمایتی برای دانش آموزان با نیازهای ویژه، و ترویج اهمیت آموزش در جوامع محلی می‌شود.

تشویق اشتیاق به یادگیری

ایجاد فرهنگی که اشتیاق به یادگیری و تحصیل را ترویج کند مهم است. این می‌تواند از طریق برگزاری کمپین‌های توعیه، تشویق به خواندن، ارائه جوایز تحصیلی، و ایجاد محیط‌های آموزشی مثبت و پشتیبانی‌کننده انجام شود.

آیا ما می‌توانیم بر تلخی حقایق غلبه کنیم و به تصویر زیبای آموزش رایگان نزدیک تر شویم؟
آیا می‌توانیم زیرساخت‌ها را تقویت کرده و آنها را بهبود بخشیم، و دسترسی همه افراد را به فرصت‌های آموزشی برابر را فراهم کنیم؟

حسن اسداللهی



مدرسه، متهم ردیف اول دانش آموزان خنگ نیستند!

نازنین بخشی

پاسخ قطعی برایش نمی‌دهم و به نظرم بعد از خواندن این مطلب خودتان بی‌شک به پاسخ قطعی و حتمی خواهید رسید. در شماره قبلی نشریه، ضمن ارائه دلنوشته‌ای از ذوق، هیجان، حالات و احوالات یک دختر بچه که مهربای رفتن به مدرسه است سخن گفتیم و در انتهای مسیر روشن و پر از امید او، به تاریکی محض آموزش و پرورش، نفرت و بی‌انگیزگی از مدرسه رسیدیم. عاملانی را برای این تغییر احوال بیان کردم که یکی از آنها مدرسه بود. در این شماره به کلیدی‌ترین عامل و به زعم من متهم ردیف اول این قضیه، یعنی مدرسه خواهم پرداخت.

اکنون در هر سنی هستید بدون هیچ پیش داوری قبلی، چشمانتان را ببندید و هر آنچه را که در دوران مدرسه بر شما گذشته است، تصور کنید. فارغ از هر سن و تحصیلاتی که دارید، فقط برای دقایقی به آن فکر کنید. حرف‌هایی که نزدیک، ترس‌هایی که داشتید، آرزوها و امیدهایی که تا آخرین لحظات در قلبتان روشن و زنده نگه داشتید، باورهایتان، افکارتان، رفتارتان، خنده‌هایتان. به همه و همه فکر کنید. در نهایت به چه چیزی رسیدید؟

در حالی که مهربای نوشتن این مطلب می‌شدم، چیزی ذهنم را درگیر کرد؛ یک شک. آیا می‌توان واقعاً متهم ردیف اول و قاتل اصلی انگیزه دانش آموزان مدرسه را معرفی کرد؟ آیا باید در این فرضیه تردید کرد یا شواهد و قرائن مهر تاییدی بر پایش می‌زنند و جایی برای شک باقی نمی‌گذارند؟

مدرسه به طرز ماهرانه و بسیار قدرتمندانه‌ای این پیام را به ما منتقل می‌کند که اگر مو به مو به آموزه‌ها و خط مشی‌های ارائه شده در آن عمل کنیم می‌توانیم در زندگی خود به کامیابی برسیم و در صورتی که به آموزه‌های آن بی‌توجهی کنیم؛ یا نسبت به آن تردیدی داشته باشیم در زندگی آینده شکست خواهیم خورد.

ما از سنین پایین این واقعیت را قبول می‌کنیم که مدرسه داور نهایی ماست و اوست که مشخص می‌کند چه کسی موفق خواهد شد و چه کسی به بیراهه خواهد رفت. مدرسه با انکار استعدادها و توانایی‌های دانش آموزان و اصرار بر سنجش آنها با معیار و ملاک خود، کم کم بذر تنفر را در دل دانش آموزان می‌کارد.

به جای تاکید بر شباهت‌های دانش آموزان و کمک برای توسعه مهارت‌های فردی و اجتماعی و عاطفی آنها دست بر روی تفاوت‌ها می‌گذارد و هر کس را که طبق ملاک و معیار مورد تاییدش، پیش برود و در آن زمینه برتر باشد، موفق و بقیه را عملاً شکست خورده و ناموفق می‌داند. از نظر مدرسه پرسشگری رد است و برای پرسش باید دست‌ها را به بالا بیاورید و منتظر بمانید تا شاید، اجازه صحبت به شما داده شود.

تاکید مدرسه بر سکوت مطلق و پیروی بی‌شائبه است. مدرسه‌ای که مبتنی بر احترام به حقوق دانش آموزان، پیش نرود و کیف‌هایشان را که حریم شخصی آن‌هاست در جلوی چشمانشان نقش بر زمین کند، بذر نفرت را کاشته و روی آن شور و ذوق ابتدایی دانش آموزان، پرده‌ای کشیده است. با چنین رویکردی نباید انتظار زیادی هم داشت. انتظار ما چیست؟ اینکه دانش آموزان بیشتر عمرشان را در جایی بگذرانند که شاد نیستند، در جایی که محکوم به تبعیت از قوانین بی حد، حرف نزدن و سکوت مطلق هستند.

من در کنار تمام لحظات خوش و تکرار نشدنی که در کنار دوستانم در مدرسه سپری کردم، در کنار اردوهای دیوانه کننده‌ای که با همکلاسی‌هایم رفتم، در کنار صدای دلنشین خنده‌ها و همه‌مهمه‌هایی که فضای حیاط مدرسه را پر می‌کرد، حتی با وجود ترسهای بچه‌گانه از دیر رسیدن‌ها گرفته تا درس نخواندن‌ها، استرس و اضطراب پرسشی که ممکن بود مثل یک قلاب ماهیگیری کاملاً اتفاقی بر سر تو فرود آید و در این لحظات اعتقاد و باور و ایمان قلبی تو به درجه پیغمبری می‌رسید و صلوات‌ها و دعاها و حتی چه نذرها که نمی‌کردی. با وجود همه این خوشی‌ها و خاطراتی که لبخندی روی لبانم می‌آورد، اما کفه ترازو به نفع مدرسه سنگین نیست. این کفه در بی تعادل‌ترین حالت ممکن است.

وقتی به آنچه که می‌توانستیم در مدرسه یاد بگیریم و نگرفتیم فکر می‌کنم، ناامید می‌شوم. ناامید از اینکه ما نتوانستیم مهارت عاطفی مورد نیازمان را کسب کنیم و اکنون هم تصور می‌کنیم غیر ممکن است که مهارت عاطفی مورد نیاز را خودمان به تنهایی یاد بگیریم و بی‌شک فقدان آن باعث خواهد شد که در زندگی بهای سنگینی برایش پرداخت کنیم. در مدرسه به قدری بر روی موضوعاتی مثل: نحوه تشکیل جلگه‌ها و فرسایش یخچالی و قوانین حرکت بحث شد که فرصتی برای یادگیری قوانین مهربانی و عشق ورزی و یا اصول برقراری ارتباط با خانواده باقی نگذاشت. آنقدر در مورد سوابق و پیشینه‌های تاریخی شاهان و شاهزادگان هزاران سال قبل اطلاعات کسب کردیم که زمانی برای یادگیری در مورد سابقه‌های رفتاری خودمان (سابقه رفتارهای پرخاشگرانه و تجربه‌های شکست و ناامیدی خود) باقی نگذاشت.

ترک کرده‌اند، چه بسا بسیاری از دانش‌آموزان، مدرسه را به لحاظ ذهنی ترک کردند اگر چه در ظاهر به مدرسه می‌روند و می‌آیند.

با وجود اینکه حرف برای گفتن بسیار است اما طولانی شدن این نوشتار مجالی برای ادامه باقی نمی‌گذارد. در این نوشته شاید مدرسه را با نگاهی سختگیرانه اما حقیقی مورد هدف قرار دادیم اما شکی نیست که وقتی به بیشتر ناتوانی‌ها، خلأهای روحی و رفتاری خود برگردید به طرز عجیب و باورنکردنی به مدرسه خواهید رسید. این خود نشان دهنده این است که مدرسه چه نقش مهم و تاثیرگذاری در تربیت ما دارد و کاستی‌ها و کمبودهای آن مشکلات بزرگتری را برای بزرگسالی افراد به ارمغان می‌آورد.

اگر عمری باشد، یقیناً و بی‌شک در شماره‌ی بعدی به یک مدرسه بی‌نظیر اشاره خواهیم کرد و خواهید دید که هدف ما از این صحبت‌ها رد مطلق مدرسه نیست، بلکه تلنگری برای اصلاح ساختار آن است. چیزی که در مدارس بی‌نظیر مدرسه فرهاد شاهد آن خواهیم بود.

البته نباید از صحبت‌های من چنین برداشت شود که رمز موفقیت در زندگی این است که نسبت به تمام قواعد و دستورالعمل‌های مدرسه بی‌توجه باشیم و آنها را زیر سوال ببریم. برای دانش‌آموزی که به معلمش بی‌احترامی می‌کند و یا با لباس و آرایش نامعقول در مدرسه ظاهر می‌شود، دانش‌آموزی که همکلاسی‌اش را مورد آزار قرار می‌دهد، جایزه کنار نگذاشته‌اند و به واسطه این کارها موفقیت آتی او تضمین نخواهد شد. شاید همین فرد در بهترین حالت ممکن بتواند بعد از چندین سال یک شغل معمولی به دست بیاورد و تا پایان زندگی‌اش با آن مشغول شود. بلکه منظور من این است که در روزگاری که هنوز قد دانش‌آموزان به بزرگی یک صندلی نشده است؛ او در پشت این صندلی‌ها با محدودیت‌ها و قوانین مدرسه به عنوان یک سیستم سختگیرانه مواجه می‌شود و همین مسئله انگیزه و شوق آنان را خاموش می‌کند.

مدرسه مدعی است که می‌تواند ما را در مواجهه با همه بخش‌های زندگی آماده کند. اما در واقعیت چنین اتفاقی نمی‌افتد و در بهترین حالت، سیستم صرفاً ما را به گونه‌ای تربیت می‌کند که بتوانیم سال‌های بیشتری در مدرسه دوام بیاوریم. پس آنهایی که این سیستم را ترک می‌کنند، کسانی که بی‌حوصلگی، کسالت و بی‌هدفی به سراغشان می‌آید، این احساس به آنها هشدار می‌دهد که شما از چیزی رنج می‌برید و چیزی دارد به تدریج شما را می‌کشد، آنهایی هستند که با اتکا به همین احساس و انگیزه، برای رهایی از آن کاری می‌کنند و بالاخره دست به ترک دائمی مدرسه می‌زنند.

در واقع دانش‌آموزان به زعم مدرسه خنگ، ناتوان، بی‌استعداد و شکست خورده نیستند بلکه کسانی هستند که فقط دوام نیاوردند و تحمل این قضایا برایشان مشکل بود. آنها به دنبال دستیابی به توانایی‌های بالقوه خود و شادی رفتند که مدرسه آن را از آنها محروم کرد. وقتی از ترک مدرسه صحبت می‌کنم فقط منظورم افرادی نیستند که مدرسه را به صورت فیزیکی





هالیو

موجی سنگین بر سخره فرهنگ جهان!

اطهر سادات بادامه زاژ

«می‌خواهم کشورمان زیباترین کشور دنیا باشد. ولی منظور از زیباترین، قدرتمندترین نیست. چرا که ما درد و رنج حمله و تسخیر را چشیده‌ایم و من نمی‌خواهم ملت دیگری، این رنج و درد را تحمل کند. ثروت، به اندازه‌ای که فراوانی برایمان بیاورد کافی است. قدرت، به قدری که جلوی حمله کشورهای دیگر را بگیرد کافی است. تنها چیزی که هیچوقت کافی نیست، قدرت فرهنگ غنی کشور است. چون قدرتی که در فرهنگ وجود دارد، هم ما را خوشحال می‌کند و هم خوشحالی را به کشورهای دیگر می‌برد.» این سخنان پرشور یکی از سیاستمداران کره جنوبی است که توانست بعدها به مقام ریاست جمهوری کره جنوبی برسد.

موج کره‌ای یا همان هالیو به گسترش فرهنگ کره جنوبی از سال ۱۹۹۰ تا به امروز اطلاق می‌شود. هالیو اولین بار در سال ۱۹۹۹ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد کره جنوبی استفاده شد. در همان سال وزارت فرهنگ و ارشاد کره جنوبی موسیقی با ترجمه چینی به نام هالیو(ترانه‌ای از کره) منتشر کرد که با استقبال فراوان چینی‌ها روبرو شد و بعد از آن چینی‌ها از هالیو برای توصیف گسترش فرهنگی و موفقیت های کره‌ای‌ها استفاده

کی پاپ موسیقی ای برای پیشرفت!

کره‌ای آنان را برای شروع فعالیت در کی پاپ آماده می‌کنند. صنعت موسیقی کره جنوبی از شروع فعالیت تاکنون چهار نسل از گروه‌های موسیقی را به خود دیده است که هرکدام بر اساس بازه زمانی آغاز به کار خود در رده بندی گروه‌های کی پاپ قرار می‌گیرند. به عنوان مثال گروه‌هایی که اوایل و اواسط دهه ۱۹۹۰ تا اوایل دهه ۲۰۰۰ فعالیتشان را شروع کرده‌اند در رده گروه‌های نسل اول قرار می‌گیرند. "BTS" یکی از شناخته شده ترین گروه‌های کی پاپ در ایران جزء نسل سوم کی پاپ به حساب می‌آیند.



gangnamstyle (استایل گنگنام) از psy شاید بتوان گفت اولین مواجهه جدی شرقی‌ها و جهان با موسیقی کره‌ای با پخش این آهنگ بوده است.

این موزیک ویدئو در سال ۲۰۱۲ منتشر شد و تعداد بازدیدهای آن در یوتیوب به ۲ میلیارد رسید حتی رئیس جمهور وقت آمریکا باراک اوباما در دانشگاه هانکوگ به موج کره ای، هالیو، اشاره کرد.

کمپانی‌های بزرگ سرگرمی با انتخاب کارآموز و تربیت نوجوانان

کردند. بعدها در سال ۲۰۲۱ واژه هالیو رسماً وارد لغت نامه آکسفورد شد.

هالیو با استفاده از دوبال اصلی درام و موسیقی پاپ در ابتدا توانست به کشورهای آسیای شرقی و بعد به آسیای غربی برسد. شاید بتوان گفت مهم ترین دلیل گسترش درام‌های کره‌ای و موسیقی پاپ در کشورهای آسیای شرقی، تاریخ مشترک استعماری و نزدیکی فرهنگی کره با کشورهای مثل چین، ژاپن، تایلند و... است. در سال‌های اخیر فرهنگ کشورهای اروپایی، آمریکایی و ایران اسلامی هم از این موج کره‌ای در امان نبوده اند.

کی درام یا همان سریال درام کره ای

تلاش و کوشش برای رسیدن با هدف بهره گیری از فانتزی برای خلق داستان و طنز توانست جایگاه خودش را برای مخاطبان ترسیم کند.

در سال‌های اخیر با سرمایه گذاری پلتفرم‌های مطرح مثل نتفلیکس و شرکت هایی مثل دیزنی با اضافه شدن خشونت و پرداختن به مسائل جدی‌تر اجتماعی مثل اختلاف طبقاتی، قلدری در مدارس، ثروت محوری، بررسی چرایی انحرافات اخلاقی در جامعه و نقد نظام کارمندی، کی درام‌ها کمی از فضای شروع خود فاصله گرفته‌اند و همین امر باعث افزایش طیف مخاطب درام‌های کره‌ای شده است. بازی مرکب، پنت هوس و سرقت پول ورژن کره‌ای از مصادیق این سریال‌ها هستند.



کی درام با سریال هایی مثل دختر عجیب و غریب من ۲۰۰۱، جواهری در قصر و زمستان سوناتا ۲۰۰۴ و افسانه جومونگ ۲۰۰۷ و... در کشورهای آسیایی مطرح شد. سریال‌های کره‌ای با نشان دادن مفاهیمی مثل اهمیت خانواده،



اما چرا باید درباره هالیو بدانیم؟!

فیلمنامه و تربیت بازیگر و همچنین شروع کرونا و خانه نشینی نوجوانان و خانواده‌ها باعث شد در سال‌های اخیر شاهد این باشیم که سن علاقه به کی‌پاپ و کی‌درام و حتی گستره جغرافیایی آن جهان و مخصوصا ایران را با بهت و تعجب روبرو کرد تا جایی که ما شاهد هستیم هر فعال فرهنگی و یا فعالان حوزه تعلیم و تربیت نسبت به این مسئله و گسترش فرهنگی کره در ایران نگران است. ما نیز به عنوان معلم و یا معلم‌های آینده این کشور خارج از این امر نیستیم.

در این شماره از نشریه فرهنگراه به بررسی چیستی هالیو و چگونگی ورود آن به ایران پرداختیم و قصد داریم در شماره بعدی تاثیرات رفتاری و فرهنگی هالیو را در ایران، مخصوصا نوجوانان بررسی کنیم. نوجوانان و جوانانی که تاثیر مستقیم بر آینده کشوری دارد که می‌خواهد پرچم دار مبارزه با ظلم و فساد جهانی باشد.

همانطور که مطرح شد ایران هم از این موج عظیم در امان نبوده است. سریال‌های کره‌ای با افسانه جومونگ، امپراطور دریا و جواهری در قصر جای خود را در تلویزیون و فرهنگ مردم ایران پیدا کرد. وجود مفاهیمی مثل خانواده، عشق و علاقه و شباهت فرهنگی ایران و کره جنوبی باعث شد تا مردم ایران بیشتر از دیگر روایت‌ها به داستان‌های کشور آسیای شرقی علاقه‌مند بشوند.

با ساخت سریال‌های نوجوان محور مثل پسران فراتر از گل در سال ۲۰۰۹ و وارثان در سال ۲۰۱۳ و نشان دادن فضای مدرسه‌های کره جنوبی و خلق داستان‌های عاشقانه دبیرستانی جذابیتی دیده نشده خلق شد و با شروع این روند و پخش موزیک ویدئو در جهان و شهرت جهانی گروه‌های موسیقی مثل exo و psy و SHINee

و نشان دادن جنبه‌ای تازه و جدید از سرگرمی و موسیقی روند پیشرفت کی‌درام و کی‌پاپ در ایران شدت گرفت و انتخابی ویژه برای گذران اوقات فراغت نوجوانان شد.

همانطور که مطرح شد با گسترش صنعت سرگرمی و شرکت بازیگرها و آیدل‌ها (خوانندگان صنعت موسیقی کره) در برنامه‌های تلویزیونی، برگزاری کنسرت‌های جهانی و حمایت رسانه‌ها و در موازات آن پیشرفت سینما و صنعت فیلم سازی کره در نوشتن



می‌خواهم مثل تو باشم! معلم الگوی نسل خویش است

فاطمه حسین آبادی

معلم‌های خود را قبول دارند و خیلی خوب به حرف آنها گوش می‌دهند. در مقطع راهنمایی و دبیرستان نیز خیلی از معلمان با رفتار و گفتارشان توانسته‌اند تعدادی از دانش‌آموزان کلاس را علاقمند به درس خواندن کنند و یا نسبت به مسائل اعتقادی تاثیرگذار باشند.

در کلاس، علاوه بر مباحث درسی باید به رفتارهای دانش‌آموزان نیز توجه کنیم. همانطور که می‌دانید نقش آموزش و پرورش علاوه بر تعلیم دادن، نقش آفرینی در در زمینه تربیت است. همه ما این مسئله را می‌دانیم که امروز به دلیل کمبود زمان و یا بسیاری از محدودیت‌های آموزشی نسبت

محیط مدرسه تاثیر بسزایی در یادگیری، ایجاد انگیزه و نتایج آموزشی در دانش‌آموزان دارد. شاید پیش خودتان بگویید نحوه تدریس معلمان و کادر مدرسه از محیط مدرسه بیشتر اهمیت داشته باشد اما صرفاً این عوامل تاثیرگذار نخواهد بود چرا که دانش‌آموز تنها با عوامل مدرسه و سایر دانش‌آموزان سرو کار نخواهد داشت و توجهش به محیطی که در آن درس می‌خواند نیز جلب می‌شود. در و دیوارهای کثیف و بی رنگ، فضای بی روح و نیمکت‌های شکسته همه و همه می‌توانند در طول سال تحصیلی باعث ایجاد حس خستگی و عدم تمرکز دانش‌آموزان و حتی کمتر شدن حس مسئولیت‌پذیری نسبت به وسایل مدارس را به همراه داشته باشد.

تاثیرگذاری معلمان بر دانش‌آموزان

تاثیر گذاری معلمان بر روی رفتارهای دانش‌آموزان چه روحی و چه معنوی با نفوذ کلامشان اتفاق می‌افتد و رابطه‌ی معلم و دانش‌آموز را شکل می‌دهد. خیلی از ما شنیده ایم و با آن مواجه شده‌ایم که دانش‌آموزان ابتدایی به شدت حرف

به این موضوع زیاد توجه نمی‌شود و یا نادیده گرفته می‌شود. رابطه‌ای که دانش‌آموز با معلم دارد رابطه‌ای سطحی نیست. همانطور که در بالاتر گفتیم معلم از لحاظ معنوی و روحی بر روی دانش‌آموز تاثیرگذار است. هر دانش‌آموز در محیط خانواده رفتارهایی آموخته و شخصیت او تا حدودی شکل گرفته است اما هنوز شکل ثابتی ندارد و انعطاف‌پذیر و قابل تغییر است. دانش‌آموز پس از خانواده، وارد اجتماع جدید مدرسه می‌شود. او در این اجتماع رفتار و عادات خود را مورد بازنگری قرار داده و شخصیت خود را تکمیل و تثبیت خواهد کرد.

با نفوذترین فردی که در این مرحله می‌تواند به او کمک کند معلم است. دانش‌آموز معلم را الگوی خود قرار می‌دهد و از رفتار و اخلاق او سرمشق می‌گیرد.

در این میان معلم به دلیل ارتباط مستمر و مستقیم با دانش‌آموز نقش بسزایی دارد. یک معلم خوب با رعایت آراستگی، احترام به شخصیت دانش‌آموز و عدم استفاده از کلمات زشت و ناپسند می‌تواند در تربیت صحیح دانش‌آموزان نقش داشته باشد.

معلم، مرکز ثقل آموزش

سبک معلم می‌تواند همه چیز را متحول کند!

آموزشی بکار می‌برد و می‌تواند نشان دهنده تمایز او باشد؛ چراکه از موقعیتی به موقعیت دیگر بدون توجه به محتوا پایدار است.

نحوه آموزش معلم، روش شناخته شده‌ای است که اهداف یادگیری به واسطه آن مشخص شده و فرایند تدریس به صورت هدایت شده پیش می‌رود. می‌توان آن را تمایل به سمت رفتاری که باعث یادگیری می‌شود و متأثر از ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها و پیشینه فرهنگی و اجتماعی معلمان است در نظر گرفت. تنها تجارب و دیدگاه‌های علمی معلم نیست که شکل دهنده سبک تدریس او است بلکه کل شخصیت او اعم از عوامل فیزیکی، روانشناختی، رفتاری و... است که بر یادگیری، تغییر و تحول شاگردان تاثیر می‌گذارد.

خداوند متعال می‌فرماید: «هرکاری که رنگ خدایی یابد و خالص باشد، جاودانه است.» این توصیف مانند یک قطره آب دارای دو ویژگی روانشناختی شامل هوش معنوی و خودکارآمدی معلمان است که بر انتخاب سبک‌ها و رفتارهای تدریس آنان تاثیر گذارند.

با توجه به آموزه‌های دینی و ارزش‌های معنوی کار، از عوامل بسیار مهم در توسعه کار و افزایش کارآمدی در جامعه است. هرقدر تلاش با انگیزه معنوی

نقش معلم و روش تدریس او در فرایند اجرای تدریس، از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر فرایند یادگیری دانش آموزان در نظر گرفته می‌شود. شیوه تدریس معلم روشی است که او برای بیان محتوای آموزشی بکار می‌برد و نشان دهنده سبک شخصی وی در بیان مفاهیم است.



هوش معنوی و خودکارآمدی معلمان بر سبک‌های تدریس آنان با ویژگی‌های جمعیت‌شناسی نیروی انسانی به ویژه معلمان از مهم ترین عناصر سازنده محیط‌های آموزشی هستند و مهم ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدف‌های آموزشی به‌شمار می‌روند. معلم است که می‌تواند حتی نقص کتاب‌های درسی و کمبود امکانات آموزشی را جبران کند یا برعکس، بهترین موقعیت و موضوع تدریس را به دلیل ناتوانی‌اش به محیطی ایستا و غیرجذاب تبدیل کند.

نقش معلم و روش تدریس او در فرایند اجرای تدریس، از مهم ترین عوامل تاثیرگذار بر فرایند یادگیری دانش آموزان در نظر گرفته می‌شود. شیوه تدریس معلم روشی است که او برای بیان محتوای

شواهد نشان می‌دهد که تمرین‌های معنوی افزایش دهنده آگاهی و بینش درباره سطوح چندگانه هوشیاری هستند و بر عملکرد افراد تاثیر مثبتی دارند. در این دنیای لجام گسیخته کنونی که مادیات همه چیز را تحت الشعاع قرار داده اند؛ راهیابی به ژرفای ماهیت انسان یکی از مهم ترین دغدغه‌ها و نیازهای اساسی انسان در عصر حاضر می‌باشد. انسان تا نداند کیست و مقصود او از آفرینش چیست، نمی‌تواند جایگاه بلند خود را در دستگاه عظیم آفرینش باز یابد.



هوش معنوی مفهوم آگاهی از معنویت را با عنوان زمین‌هایی از وجود یا نیروی زندگی خلاق، مطرح می‌کند. کاربرد هوش معنوی در زندگی فرد می‌تواند ارتباط شخص را با خود، دیگران، خداوند، و به خصوص پرورش خودآگاهی تسهیل کند. با تکیه بر اعتقادات فرد، هوش معنوی قادر به تسهیل و ارتقاء آگاهی و احساس ارتباط با خداوند و احساس حضور او در فرد می‌شود. (نازل، ۲۰۰۴)

هوش معنوی چهارچوبی برای شناسایی و سازماندهی مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم است.

مبنا توکلی

آمیخته شود و رنگ الهی به خود گیرد، موجب احیای این فرهنگ غنی خواهد شد. بر این اساس اگر آموزه‌های دینی درباره تلاش مفید و منظم به جامعه راه یابد، بی شک جامعه به صورت طبیعی آنها را در نقش هنجار و ارزش می‌پذیرد زیرا هنجاری که از نظر جامعه اسوه نجات در تمام ابعاد حیات فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی باشد، الگو و مقیاس رفتاری قرار خواهد گرفت.

اسلام دیدگاه ارزشمندی درباره کار دارد. کار درواقع از قداست و محبوبیت زیادی برخوردار است. انسان باید به کار خود رنگ و بوی خدایی بدهد تا موفق شود. پیامبر اکرم نیز در این باره می‌فرمایند: «سخت کوشی و تلاش همانند جهاد در راه خداوند است. انسان باید به کار خود رنگ و بوی خدایی بدهد تا کارش معنوی شود و به اهداف متعالی خویش نایل آید.» اگر قطره آبی به دریا وصل شود دیگر قطره نیست، بلکه دریاست. بنابراین در نظر گرفتن معنویت با عنوان هوش، ادراک ما را از معنویت و هوش گسترش می‌دهد. در قلب هر دین و مذهبی، هوش معنوی وجود دارد زیرا مذهب به خودآگاهی، هوشیاری عمیق، معنا دادن به زندگی و حوادث آن و حتی مرگ کمک می‌کند. (فینچ، ۲۰۱۲)

هوش معنوی، معنویت و هوش را در یک سازه جدید ترکیب می‌کند و این به افراد فرصت می‌دهد تا در مقابل واقعیت‌های مادی و معنوی حساس شوند و تعالی خویش را هر روز در لابه‌لای اشیاء، مکان‌ها، ارتباطات و نقش‌ها جست و جو کنند.

این هوش می‌تواند هشیاری یا احساس پیوند با یک قدرت برتر یا وجود مقدس را در فرد تسهیل کند. معنویت جستوجو برای یافتن عناصر مقدس، یافتن معنا و هشیاری است. هوش معنوی شامل توانایی برای استفاده از چنین موضوعاتی است که می‌تواند کارکرد و سازگاری فرد را پیش بینی کند و باعث تولیدات و نتایج ارزشمندی شود.

تغذیه مناسب

باعث کاهش رفتار پرخاشگرانه می‌شود!

مبینا ولاشجردی

کودکان برای داشتن یک رژیم غذایی متعادل به غذاهای متنوعی نیاز دارند. میزان فعالیت بدنی آنها در روز بخش مهمی از میزان نیاز آنها به تغذیه خواهد بود از این رو رژیم غذایی آنها اهمیت زیادی دارد.

دوران تحصیل در مدرسه از بهترین دوره‌های کودکان است که در مورد غذا، بدن و فعالیت‌های سالم اجتماعی بیاموزند. بنابراین تغذیه مناسب برای دانش آموزان، دارای اهمیت بالایی است. در این دوران کودکان زندگی اجتماعی خود را به طور جدی شروع می‌کنند، برای کارهای مختلف پول ذخیره کرده و از طریق کسب تجارب مختلف به انتخاب سبک زندگی مورد علاقه خود می‌پردازند. کودکان در این سن به سرعت یاد می‌گیرند و همچنین آگاهانه‌تر تحت تأثیر دوستان و گرایش‌های مختلف قرار می‌گیرند. تغذیه مناسب دانش آموزان در دوران مختلف تحصیلی رژیم غذایی دانش آموز جزء مهم مراقبت، در سلامتی او است. اهمیت یادگیری درست غذا خوردن، ورزش منظم و درک اصطلاحات مربوط به تغذیه می‌تواند به دانش آموزان کمک کند تا تصمیماتی بگیرند که بتواند بر سلامت آنها تأثیر بگذارد.

کودکان برای داشتن یک رژیم غذایی متعادل به غذاهای متنوعی نیاز دارند. میزان فعالیت بدنی آنها در روز بخش مهمی از میزان نیاز آنها به تغذیه خواهد بود. زمانی که کودکان فعال و درحال بازی کردن هستند، خوردن میان وعده برای بالا نگه داشتن سطح انرژی آنها مهم است. یک میان وعده سالم در هنگام استراحت و نزدیک ظهر و یک میان وعده هنگام عصر معمولاً در روز برای آنها الزامی است.

وعده مهم صبحانه در تغذیه مناسب دانش آموزان

تشویق کودک و نوجوان به خوردن صبحانه بسیار مهم است. یک خواب خوب در طول شبانه روز و به دنبال آن خوردن وعده کافی و مناسب صبحانه به آنها کمک می‌کند که فعال بمانند، در مدرسه تمرکز کافی داشته باشند و همچنین در



زیاد کاهش می‌دهد بنابراین مصرف مکمل اسید آمینه و کربوهیدرات در سن رشد کودکان (در صورت لزوم) می‌تواند قدرت ادراک، شهود و استدلال را در آنها بهبود ببخشد.

تعدادی از مطالعات نشان می‌دهند که در صورت دریافت رژیم غذایی مناسب و اصلاح برنامه تغذیه‌ای، توانایی‌های شناختی و سطح هوش کودکان در مدرسه تا حد قابل توجهی افزایش پیدا می‌کند.

تاثیر رژیم غذایی مناسب در رفتار

و عملکرد

تغذیه خوب به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا با آمادگی مناسب ذهنی و بدنی در مدرسه حاضر شوند. از آنجایی که تغذیه مناسب دانش‌آموزان را از لحاظ بدنی سالم‌تر نگه می‌دارد، احتمالاً دانش‌آموزان، کمتر بیمار خواهند شد و با نظم بیشتری در کلاس حاضر می‌شوند. مطالعات زیادی نشان می‌دهد که سوء تغذیه منجر به اختلالاتی در رفتار دانش‌آموزان می‌شود؛ برای مثال ثابت شده است که مصرف زیاد قند تأثیر منفی بر رفتار کودک می‌گذارد.

زمانی که کودک یک رژیم غذایی متعادل شامل پروتئین، چربی، کربوهیدرات‌های پیچیده و فیبر مصرف می‌کند با رسیدن سطح کافی انرژی به مغز از میزان رفتارهای پرخاشگرانه‌اش تا حد زیادی کاسته می‌شود. نکته مهم این است که نیاز تغذیه‌ای در کودکان بیش فعال و پرخاشگر حساس‌تر از سایر کودکان است.

طول روز کمتر گرسنه شوند. والدین باید برای فرزندانشان الگو باشند، بطوریکه فرزندان پدر و مادر را در حال خوردن صبحانه ببینند. ترکیب نان، پنیر و گردو یا یک کاسه غلات با شیر و میوه‌های تازه یک صبحانه عالی برای کل خانواده است.

وعده ناهار در مدرسه در تغذیه مناسب دانش‌آموزان

بسیاری از مدارس یک غذاخوری یا بوفه مستقل دارند که انواع مختلفی از انتخاب‌های غذایی را به آنها ارائه می‌دهد. اکثر مدارس برای تغذیه مناسب دانش‌آموزان از دستورالعمل‌های تغذیه‌ای تخصصی برای تشویق به انتخاب‌های غذایی سالم پیروی می‌کنند و تنها وعده‌های غذایی سالم را ارائه می‌دهند. اغلب غذاهایی که کودکان انتخاب می‌کنند هزینه و انرژی بالایی دارد اما مواد مغذی آنها بسیار کم است. بهترین کار این است که والدین، ناهار را به صورت بسته بندی مناسب از خانه به آنها بدهند که کودکان اهمیت مصرف غذای سالم و ارتباط آن با سلامتی را از سنین پایین درک کنند.



رابطه مستقیم بهبود تغذیه با افزایش عملکرد مغز

مطالعات متعدد نشان می‌دهد که نوع تغذیه می‌تواند به طور مستقیم بر حافظه و عملکرد ذهنی کودکان در مدرسه تاثیر بگذارد. به عنوان مثال کمبود آهن حتی به مقدار کم باعث کاهش انتقال دوپامین می‌شود بنابراین قدرت شناخت کودک کاهش پیدا می‌کند. در مقالات فراوان نشان داده شده است که کمبود سایر ویتامین‌ها و مواد معدنی، به ویژه تیامین، ویتامین E، ویتامین B₁₂، و روی توانایی‌های مربوط به شناخت و تمرکز را به میزان



نکات مهم برنامه ریزی برای تغذیه مناسب

دانش آموزان

اگر یک والد یا معلم دغدغه‌مند هستید، در خصوص برنامه ریزی برای تغذیه مناسب دانش آموزان و انتخاب وعده‌های مختلف غذایی موارد زیر را حتما در نظر بگیرید؛

پروتئین: برای تامین سطح پروتئین در بدن کودک غذاهای دریایی، گوشت و مرغ بدون چربی، تخم مرغ، لوبیا، نخود، محصولات حاوی سویا، آجیل و دانه‌های بدون نمک را برای تغذیه انتخاب کنید.

میوه‌ها: کودکان را تشویق کنید که به جای آب میوه، از انواع میوه‌های تازه، کنسرو شده، منجمد یا خشک استفاده کند. اگر کودک شما آبمیوه می‌نوشد، مطمئن شوید که آبمیوه ۱۰۰ درصد بدون قند مصنوعی باشد با این حال سعی کنید که مصرف آبمیوه صنعتی را محدود کنید. به دنبال تهیه میوه‌های کنسرو شده‌ای باشید که بدون افزودنی‌های شیمیایی باشد و قند طبیعی داشته باشند (برای اطمینان بهتر است خودتان با میوه‌های تازه کنسرو درست کنید). دقت داشته باشید که یک چهارم فنجان میوه خشک معادل یک فنجان میوه تازه محسوب می‌شود. هنگامی که میوه‌های خشک بیش از حد مصرف شوند،

کالری اضافی به بدن

می‌رسانند.

سبزیجات: انواع سبزیجات تازه، کنسرو شده،

منجمد یا خشک شده را سرو کنید. سعی

کنید هر هفته انواع سبزیجات تازه مثل:

تره، شاهی، اسفناج، هویج و کدو سبز

را تهیه کنید. هنگام انتخاب

سبزیجات کنسرو شده یا منجمد،

به دنبال گزینه‌هایی باشید که

سدیم یا نمک کمی داشته باشند.

دانه‌ها: غلات کامل مانند نان سبوس دار، بلغور جو دوسر، ذرت بو داده، دانه‌های کینوا یا برنج قهوه‌ای را برای تغذیه انتخاب کنید. سعی کنید تا جایی که ممکن است مصرف غلات تصفیه و فراوری شده مانند نان سفید، ماکارونی و برنج را محدود کنید.

لبنیات: کودکان را تشویق کنید که لبنیات بدون چربی یا کم چرب مانند: شیر، ماست، پنیر یا نوشیدنی‌های حاوی سویای غنی شده را بنوشند. مصرف شیر در سنین ۷ تا ۱۸ سالگی نسبت به سنین بالاتر اهمیت بیشتری دارد؛ بنابراین برای تغذیه مناسب دانش آموزان حتما مصرف لبنیات را در برنامه غذایی آنها قرار دهید.



تغذیه مناسب و فعالیت در دانش آموزان

- سعی کنید زمان و مکان غذا خوردن کودکان را به صورت منظم تنظیم و کنترل کنید.
- تعاملات اجتماعی را سر میز غذا در نظر بگیرید و رفتارهای غذایی سالم را نشان دهید تا کودک از شما الگو بگیرد.
- کودکان را در پخت و چیدن غذا مشارکت دهید. با دادن فرصتی برای انتخاب غذاهای سالم به آنها بیاموزید که انتخاب‌های سالمی داشته باشند. (اگر کودک خجالتی است، توصیه می‌کنیم بیشتر در کارهای خانه او را مشارکت دهید.)
- سعی کنید غذاها را با مواد مغذی همچون کلسیم، منیزیم، پتاسیم و فیبر تهیه کنید. در صورت امکان لیستی از غذاهایی که دارای این مواد مغذی هستند را انتخاب کرده و برای انتخاب از بین آنها در اختیار فرزندتان بگذارید.
- اکثر کودکان در کشور ما دچار چاقی هستند بنابراین باید مقدار کالری مصرفی خود را کاهش دهند. وقتی نوبت به کنترل وزن و رژیم غذایی می‌رسد، مقدار کالری مصرفی بسیار اهمیت دارد. کنترل اندازه‌ی وعده‌ها و خوردن غذاهای فراآوری نشده به محدود کردن کالری دریافتی و افزایش مواد مغذی در کودکان کمک می‌کند.
- کودکان را از طریق دوستانشان تشویق کنید تا به رژیم غذایی سالم و ورزش پایبند بمانند.
- زمان تماشای تلویزیون یا استفاده از سایر رسانه‌ها را به کمتر از ۲ ساعت در روز محدود کنید. در عوض آنها را به داشتن فعالیت‌هایی تشویق کنید که نیاز به تحرک زیاد دارد.
- کودکان و نوجوانان به حداقل ۶۰ دقیقه فعالیت بدنی متوسط تا شدید در روز برای حفظ سلامتی، تناسب اندام و وزن مناسب در دوران رشد نیاز دارند.
- برای جلوگیری از کم آبی بدن، کودکان را تشویق کنید که به طور منظم در حین فعالیت بدنی یا هنگام درس خواندن مایعات بنوشند. بهتر است کنار آنها بطری آب یا آبمیوه باشد تا فراموش نکنند که مایعات را به میزان کافی مصرف کنند.

سرویس

شهادت و تربیت

سلوک یک آموزگار

هانیه علی قارداشی

مسلمان متدین و متشرع ساخته بود. به جای خودش شوخ و بذله‌گو میشد و در مقابل محرمات و رفتارهای ناپسند، سرسنگین و بدون تعارف بود. حقیقتاً زندگی و رفتاری دین‌باور و دین‌مدار داشت. اخلاقیات و باورهای دینی و معنوی در تمام جانش رسوخ کرده بود. احترام به والدین، قدرشناسی، خدمت به هموعان و ساده زیستی از جواد اسلامی‌فر، یک انسان کامل ساخته بود. در حقیقت همه اینها موهبتی الهی بود که از ارادت و توسل خالصانه به اهل بیت، مخصوصاً حضرت زهرا(س)، بدست آورده بود.



چهار سال بیشتر نداشت اما بیشتر از آن که میل به بازی و سرگرم شدن با اسباب بازی‌های کودکانه را داشته باشد، شوق ایستادن در کنار پدر و خواندن نماز را داشت. لذت تماشای رفتار پسر، پدر را داشت تا برایش عبا بخرد و او را تشویق به انجام آداب و رفتار دینی کند. همین تشویق های پدر بود که او را روز به روز، بیشتر از پیش دلبسته‌ی مسجد و نماز جماعت میکرد. دیپلمش را که گرفت در دانشگاه تربیت معلم تهران قبول شد؛ سال دوم دانشگاه بود که جنگ تحمیلی آغاز شد. بی‌درنگ تقاضای اعزام به جبهه را نمود که با آن موافقت نشد. گفتند همینجا بمان چرا که آموزش و پرورش هم جبهه است اما در پاسخ آنان گفت: "وقتی مملکت اسلامی در خطر است، چگونه میتوان آن را میان این همه تلاطم به حال خود رها کرد؟! رفتار های او نمونه بارز تقوا بود که از او در اوج سال‌های جوانی، یک

سرویس

اقتصادی



دورنمای اقتصاد

در نمایش تبل‌های توخالی!

پرهیز از هرگونه اسراف و مصرف زدگی و
تجمل گرایی

۴ پرورش روحیه‌ی انفاق و دستگیری از
محرومان

۵ تقویت روحیه عمل به احکام الصادی
اسلام

۶ شناخت حرف و مشاغل مولد برای
درآمد، ملی رفع بیکاری و وابستگی
اقتصادی

۷ تقویت روحیه مبارزه با بهره کشی
اقتصادی و مشاغل خلاف مصالح جامعه
اسلامی

۸ شناخت منابع اقتصادی کشور و
شیوه‌های صحیح استفاده از آنها و
پرورش روحیه حراست از اموال عمومی و
ثروت ملی

یکی از موانع توسعه اقتصادی آموزش و پرورش به
ویژه در کشورهای در حال توسعه نیاز دولت‌ها به
بودجه آموزش و پرورش است، از این رو در این
گزارش به بررسی اهمیت و معضلات اقتصادی در
آموزش و پرورش پرداخته می‌شود.

اهمیت اقتصادی آموزش و پرورش مطرح شده در

بیست و ششمین جلسه شورای عالی آموزش و

پرورش

۱ توجه به اهمیت رشد اقتصادی به عنوان
وسیله ای برای رسیدن به رشد و توسعه
اجتماعی

۲ شناخت ارزش و قداست کار و معاش حلال

۳ مهارت بخشی و ایجاد آمادگی و علاقه برای
اشتغال مولد در بخش‌های کشاورزی، صنعت
و خدمات ایجاد روحیه ساده زیستی، قناعت و

بودجه سال ۹۱

● از مهمترین ردیف‌های عمرانی آموزش و پرورش می‌توان به افزایش اعتبارات مربوط به سهم دولت در پروژه‌های مشارکتی اشاره کرد که اعتبار این بخش در سال ۹۰ بالغ بر سی میلیارد تومان بود که در سال ۹۱ به شصت و چهار میلیارد تومان افزایش پیدا کرد و ما شاهد رشد ۱۰۰ درصدی بودیم.

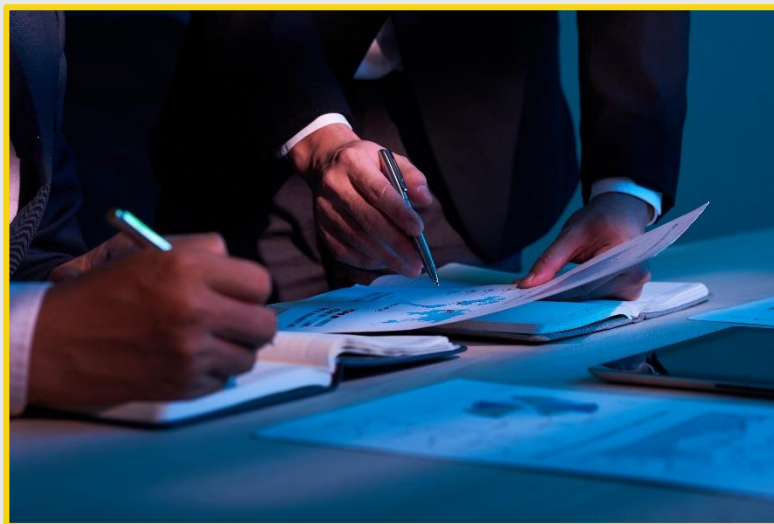
● اختصاص سی میلیارد تومان به استاندارد سازی سیستم‌های گرمایشی و سرمایشی

● اختصاص صد میلیارد تومان سهم آموزش و پرورش در بخش ورزش
● اختصاص ۱۲ تا ۱۳ درصد اعتبار عمرانی استان‌ها به آموزش و پرورش بودجه سال ۹۲

در دو سال قبل تقریباً ۹ درصد از کل بودجه عمومی دولت به آموزش و پرورش اختصاص یافته و با افزایش مبلغ دوهزار میلیارد تومان به بودجه آموزش و پرورش رقم بودجه جاری و عمرانی در سال ۹۲ به حدود هفده هزار میلیارد تومان می‌رسد.

همان طور که مشاهده می‌گردد اهداف آموزش و پرورش ایران بیشتر گرایش به سمت احکام اسلامی دارد و رویکرد دینی جامعه به وضوح در تبیین اهداف اقتصادی این کشور آشکار است.

بررسی وضعیت اقتصادی آموزش و پرورش در ایران



یکی از بحث‌های مربوط به این زمینه این است که گرایش اقتصاد آموزش که اصولاً در دانشکده‌های اقتصاد و دانشکده‌های علوم تربیتی عرضه می‌شود تا به امروز در نظام آموزش عالی ایران به ویژه در سطوح فوق لیسانس و دکتری، جایگاهی نداشته است. این در حالی است که در نظام آموزش عمومی با معضلات گوناگون اقتصادی از کمبود سرانه گرفته تا اعتراض معلمان به وضع معیشتشان مواجه هستیم.

مطالب ذیل با استفاده از اسناد رسمی بودجه ایران در از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ استخراج شده است.

بودجه سال ۹۰

بر اساس تصمیم کمیسیون تلفیق مجموع اعتبارات جاری و عمرانی وزارت آموزش و پرورش در سال ۹۰ حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان مصوب شده که یک هزار و ۱۲۰ میلیارد تومان از آن به بخش عمران شامل احداث فضاهای آموزشی جدید و تخریب و بازسازی یا مقاوم سازی فضاهای فرسوده اختصاص دارد؛ همچنین در داخل اعتبارات جاری نیز مبالغی برای توسعه و تجهیز و تأمین امکانات سخت افزاری آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است.

سرايه آموزشي در ايران



درآمد سرانه از تقسيم توليد ناخالص داخلي بر جمعيت کشور حاصل می‌شود که به طور میانگین در یک سال یا دوره معین افراد یک کشور چقدر می‌توانند برای زندگی و رفاه خود هزینه کنند. سرانه آموزشی از تقسيم بودجه آموزش و پرورش بر تعداد دانش آموزان حاصل می‌شود؛ به عبارت دیگر سرانه آموزشی نشان می‌دهد که به طور میانگین در یک سال یا دوره معین برای آموزش و تحصیل هردانش آموز چقدر هزینه شده است. بودجه آموزش و پرورش ایران در سال ۹۴ در حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان بوده است؛ اگر این مبلغ را بر ۱۲ میلیون دانش آموز در حال تحصیل تقسیم کنیم سهم هر یک از دانش آموزان چیزی حدود دو میلیون تومان یعنی در حدود ۷۰۰ دلار می‌شود. یعنی سرانه آموزشی ایران در حدود ۷۰۰ دلار است اما برای مقایسه، باید میزان سرانه کشورهای دیگر را نیز داشته باشیم. در ادامه سرانه آموزشی چند کشور را در سال ۲۰۰۹ میلادی به عنوان نمونه ذکر میکنیم تا تفاوت هزینه‌های آموزش و پرورش در کشورهای جهان بهتر مشخص شود.

ایران ۷۰۰ دلار - آفریقای جنوبی ۲۳۸۶ دلار - آلمان ۱۵۰۶۲ دلار - ترکیه ۱۸۰۴ دلار - روسیه ۴۲۸۱ دلار - هند ۳۴۸ دلار - ژاپن ۱۹۵۹۵ دلار - سوئد ۳۰۳۴۶ دلار - کره جنوبی ۹۶۹۳ دلار - کانادا ۸۰۱۸ دلار - مالزی ۲۹۱۴ دلار - امارات ۸۶۸۲ دلار

میانگین سهم آموزش و پرورش کشورها از تولید ناخالص داخلی کمی بالاتر از ۵ درصد است و جالب اینکه برخی کشورهای فقیر که اقتصاد کوچکی دارند درصد بیشتری از تولید ناخالص داخلی خود را صرف آموزش می‌کنند. در چنین شرایطی بیش از ۹۲ درصد بودجه جاری آموزش و پرورش صرف پرداخت حقوق و مزایای پرسنل و به زبان بودجه ای اعتبارات فصل اول می‌شود و پول چندانی برای هزینه کردن در بخش سایر فصول و کیفیت بخشی باقی نمی‌ماند.

بودجه سال ۹۳

۱۹۲ هزار و ۴۲۶ میلیارد ریال سهم بودجه وزارت آموزش و پرورش از لایحه بودجه پیشنهادی کل کشور برای سال ۹۳ بوده است. از این رقم ۴۰۰ میلیارد ریال به یارانه، دفترچه تغذیه رایگان و امور رفاهی دانش آموزان مناطق میلیارد ریال به یارانه مسکن فرهنگیان و ۳ هزار و ۳۱۹ میلیارد ریال به وزارتخانه اختصاص داده شده است. لازم به ذکر است که به دست آوردن برون داد و یا نتیجه بدون صرف منابع امکان پذیر نیست زیرا از نظر اقتصادی امکان تولید هیچ کالا و یا خدمتی بدون پرداخت هزینه قبلی آن وجود ندارد و این موضوع علت اهمیت یافتن هزینه‌های آموزش و پرورش برای برنامه ریزان و مسئولین است. (متوسلی، آهنچیان ۱۳۸۰)

اقتصاد آموزش و پرورش

در سند تحول بنیادین

آموزش و پرورش ایران

در کل با بررسی اجمالی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش متأسفانه جای فصل اقتصادی را در آن خالی می‌یابیم. این در حالی است که بحث اقتصاد یکی از پر اهمیت ترین ابعاد آموزش و پرورش است که به جد به تحول بنیادین نیاز دارد. در فصل دوم سند تحت عنوان بیانیه ارزش‌ها در مورد چهارم، تربیت اقتصادی را یکی از عوامل موجود در فرایند تعلیم و تربیت خوانده و تأکید کرده است که باید با توجه به اسلام، ارزش‌ها و ... باشد.

اما در فصل ششم تحت عنوان راهبردهای کلان در گزینه پنجم، تقویت و نهادینه سازی مشارکت اثر بخش نهادهای اقتصادی را در کنار دیگر نهادها مورد هدف قرار داده است و از آنجا که این توسعه‌ای درونی را محسوب نمی‌شود پس اقدام خیلی شاخصی نیست.

همچنین دیدگاه سند تحول بنیادین تربیت کسانی است که با درک مفاهیم اقتصادی در چارچوب نظام معیار اسلامی از طریق کار و تلاش و روحیه انقلابی و جهادی کارآفرینی، قناعت و انضباط مالی مصرف

بهینه و دوری از اسراف و رعایت وجدان عدالت و انصاف در روابط با دیگران در اولویت‌های اقتصادی در مقیاس خانوادگی، ملی و جهانی شرکت نمایند؛ اما در بخش راهکارها به زعم محققین کمتر به این موضوع پرداخته است.

بحث و نتیجه گیری

یکی از موانع توسعه اقتصادی آموزش و پرورش به ویژه در کشورهای در حال توسعه نیاز دولت‌ها به هزینه‌های آموزش و پرورش است؛ به این صورت که به این موارد به چشم هزینه‌های مصرفی نگریسته می‌شود و نه هزینه سرمایه گذاری بر نیروی انسانی. بنابراین لازم است با سرمایه گذاری در حوزه فرهنگی این دیدگاه مورد تغییر واقع شود. همچنین هزینه کردن در آموزش و پرورش گامی در جهت توسعه پایدار به شمار می‌رود.

کشور ایران کشوری دینی با پایبندی به ارزش‌های اسلامی است. این کشور از دیرباز در تمام اسناد فرا دستی خود احکام اسلامی را مورد توجه قرار داده است. از آنجا که دین اسلامی دینی پویا و به روز است حساب می‌آید لازم است تا با بازنگری در اسناد

فراذستی در تبیین اهداف اقتصادی آموزش و پرورش ایران، نگاهی علمی جاری گردد و تحقیق مبنای تصمیم باشد.

پایین بودن سرانه‌ی آموزشی ایران نسبت به دیگر کشورها معضلی بی چون و چراست و تلاش برای افزایش آن پیشنهادی نیست که به تحقیق نیاز داشته باشد.

مورد دیگر کمتر پرداختن به مقوله اقتصاد در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است از آنجا که این سند مهم اکنون معیار اجرایی تمام دستگاه‌ها و ادارات آموزش و پرورش کشور می‌باشد شایسته تر بود تا در بخش راهکارهای عملیاتی خود موضوع اقتصاد را هم به طور مستقیم و نه غیر مستقیم مورد واکاوی قرار می‌داد لذا یکی از پیشنهادهای این تحقیق ورود پیدا کردن بخش اقتصادی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به صورت مجزا است.

امیرحسین غلامی

ناکارآمدی دولت در آموزش پای والدین را به مراکز خصوصی می‌کشاند!

محمد حسین رضائی



والدین به دنبال ارائه دهندگان خصوصی می‌روند. فشار از جانب عرضه، عامل دیگری است که خصوصی سازی را تحریک می‌کند و به عبارتی، افت کیفیت و در برخی موارد کاهش در بودجه موجود را برای بخش دولتی را شامل می‌شود. بسیاری از والدین ممکن است احساس کنند مدرسه دولتی، در ارائه آموزش آن گونه که مورد نیاز است کارایی لازم را ندارد که این نارضایتی را در بسیاری از کشورها می‌توان دید.

خصوصی سازی آموزش را می‌توان تلاشی برای کاهش نابرابری در سیستم مدرسه دولتی کنونی دید و هدف کسانی که سیستم آموزش را خصوصی می‌کنند ارائه کارایی بیشتر است. خصوصی سازی به معنای جذب منابع بیشتر برای آموزش، استفاده

مدیریت خصوصی سازی و جهت دادن در مسیر دستیابی به اهداف آموزشی و چارچوب دادن به آن، راه اصولی و دقیق معالجه فضای بیمار و متشنج این روزهای ناآرام آموزش و پرورش است. خصوصی سازی ابتدای راهی است که تمرکز، مطالعه و برنامه ریزی بلند مدت بر روی آن آینده روشنی را محقق خواهد کرد.

در بسیاری از کشورها، آموزش راهی مهم برای به دست آوردن پیشرفت اجتماعی و اقتصادی است. بنابراین، فشار از جانب تقاضا برای آموزش بالا است و اگر دولت‌ها نتوانند آموزشی که والدین برای کودکان‌شان انتظار دارند فراهم کنند در این صورت

حالت‌های مختلف خصوصی سازی عبارتند از:

اجازه دادن به مؤسسات آموزشی خصوصی در کنار مؤسساتی که توسط دولت اداره می‌شوند، افزایش حمایت‌ها و اعتبارات دولتی از مؤسسات خصوصی، انتقال مالکیت مؤسسات دولتی به بخش خصوصی، افزایش اعتبارات خصوصی و یا کنترل و نظارت خصوصی در مؤسسات دولتی.

خصوصی سازی آموزش و پرورش علاوه بر کاهش فشار بر بودجه دولت با ایجاد یک بازار رقابتی در قلمرو یاددهی و یادگیری، منجر به کارآیی بیشتر در استفاده از منابع می‌شود. آموزش و پرورش نیازمند یک عزم ملی برای تحول است که این عزم، بدون مشارکت مردم تحقق نمی‌یابد و تربیت نیروی انسانی به عنوان مهم ترین منبع ملی انجام نمی‌پذیرد. اولین گام در این زمینه می‌تواند تغییر در نگاه مسئولان و مردم و در واقع فرهنگ سازی باشد لذا باید توجه داشت که بدون مشارکت مردم در آموزش و پرورش نمی‌توان تحول بنیادین ایجاد کرد. فقر مدارس ما از نظر مالی با توجه به همه اعتباراتی که دولت به آن اختصاص داده است، بدون همکاری و همیاری مردم به سرانجام نمی‌رسد. مدرسه به عنوان کانون توسعه و تکامل باید منبع درآمد محلی داشته باشد و بر اساس همین منابع مدیران، عوامل، دبیران و خانواده‌ها تصمیمات لازم را برای رسیدن به اهداف پرورشی و آموزشی را اتخاذ کنند.

کارآمدتر از این منابع و انعطاف پذیری بیشتر در ارائه خدمات آموزشی است و به طور کلی، انتقال فعالیت‌ها، دارایی‌ها و مسئولیت‌ها از مؤسسات سازمان‌های دولتی به افراد و مؤسسات خصوصی است.

در کشورهای در حال توسعه اغلب خصوصی سازی آموزش، اقدامی جهت تسریع فرآیند توسعه اقتصادی و فرصتی برای پویا کردن اقتصاد به حساب می‌آید. اما در مجموع مهم ترین اهدافی که خصوصی سازی دنبال می‌کند عبارت اند از:

کاهش کسری بودجه و بدهی‌های مالی، کاهش حوزه فعالیت‌های بخش دولتی، مشارکت بیشتر مردم، افزایش کارایی و بهره‌وری، افزایش نقش بخش خصوصی و کاستن بار مدیریتی و بودجه‌های دولت، کاهش خسارت‌های ناشی از افت کیفیت از طریق بهبود روش‌های مدیریتی ناشی از خصوصی سازی، تعدیل مقررات، دستیابی و بهره برداری از پتانسیل‌ها و سرمایه‌های هنگفت فکری و مالی در جهت بهبود زندگی همگانی، تنوع بخشیدن به روش‌های ارائه خدمات آموزشی، افزایش آزادی و برخورداری از حق انتخاب مدرسه توسط خانواده‌ها با توجه به نیازهایشان، گسترش مشارکت عمومی و مالکیت مردمی، ایجاد یک فضای رقابتی برای ارتقای کیفیت آموزش، افزایش پاسخگویی و پاسخ دهی نظام آموزش و پرورش به نیازهای متنوع مخاطبان، نوآوری در روش‌ها و شیوه‌های متعدد ارائه خدمات، ارتقای کیفیت خدمات و افزایش رضایت و خواست مشتریان آموزش و پرورش.

سیاست گذاران، مدیران و افراد درگیر در آموزش به دنبال روش‌هایی برای به کارگیری منابع محدود به طور کارآمد و مؤثر به منظور شناخت و حل مشکلات در بخش آموزش و ارائه آموزش باکیفیت می‌باشند. از دیدگاه اقتصادی مشارکت، همکاری داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی است که انتظار می‌رود نقش موثری در توسعه ملی داشته باشد. از طریق خصوصی سازی، رابطه منطقی تر اقتصادی بین آموزش و اشتغال نیز دنبال می‌شود.

سرویس

حرف دانشجو

دانشگاه؟

۱۲:۵۰ ✓

اینجا مدرسه‌ست...

۱۲:۵۰ ✓



پیام خود را بنویسید...

فرهنگیان، مدرسه یا دانشگاه پوشالی

امیر مهدی رضایی

وبینار مثلاً تخصصی یه استاد دانشگاه هست که اونم به خاطر گواهی و یه کیک و ساندیس شاید ۱۰ نفر برن و یه چرتی تو اون وبینار بزنن! از بس که مطالب و بینار علمی و قویه... در ادامه بحث عدم توجه دانشگاه به دانشجو همین بس که اصلاً بچه‌ها اگر تو کل ایام تحصیل، رئیس دانشگاه رو نبینن اصلاً براشون فرقی نداره چون اصولاً اصلاً این سمت کار خاصی برای دانشجوها انجام نمیده و تهش یه مهر و امضا گواهی اشتغال به تحصیل هست که امور دانشجویی اونو میزنه. یعنی نه برنامه‌ای، نه هیچی فقط عین مرده‌های متحرک باید بری و بیای تا تحصیلت تموم بشه و راهی مدرسه شی... بخش خیلی کاربردی دانشگاه فرهنگیان قسمت نهاد رهبری دانشگاه هست. نهاد رهبری دانشگاه فرهنگیان تقریباً کاری نمیکنه. متنها از بس دانشگاه بی حال و

دانشگاه فرهنگیان، دانشگاهی که دانشگاه هست ولی عین مدرسه اداره میشه! اصلاً ای کاش عین مدرسه اداره میشد اما عین مهد کودک اداره میشه. توی همه دانشگاه‌ها همه چی نظم داره و مرتب و مشخصه. کلاس‌های هر استادی مشخصه ولی ما توی یه سری از مراکز دانشگاه فرهنگیان یه چیزی داریم به اسم حمله برای گرفتن کلاس! بچه‌های هر کلاس موظف هستن که به دستور استاد اون درسشون سریع و انقلابی یک کلاس خالی پیدا کنن و اونجا رو تصاحب بکنن و به استاد خبر بدن تا کلاس شروع بشه. یک پدیده جالب دیگه که ما داخل دانشگاه فرهنگیان داریم اینکه کلاً دانشگاه کاری به دانشجوها نداره؛ نه اردو علمی، نه اردوی تفریحی، نه برنامه خاصی. ته تهش یه برنامه

خواهیده هست که تا یه دوره می‌ذاره و دو، سه تا واحد تطبیقی می‌زنیم تو رگ؛ میشه قسمت فعال دانشگاه! بخش مخوف دانشگاه ما حراسته، حراست نیست ولی هست! بی صداس ولی همه ازش میترسن و همو ازش میترسونن! حراست ما جایی که باید باشه نیست ولی نمیدونم کجا هست! بی خیالش...

بخش خنده دار دانشگاه ما امور دانشجویی هست. همه اول که اسم امور دانشجویی رو میشنون فکر میکنن یه بخشی هست که پیگیر کارهای دانشجوهاست.

اما توی دانشگاه فرهنگیان شما باید حواستون باشه که معمولا عملکرد افراد برعکس عنوان‌هاشونه.

امور دانشجویی دانشگاه فرهنگیان یعنی جایی که به همه کارای دانشجو کار داره و هر جا بیاد چوب میکنه تو کار دانشجو. یعنی مثلاً رفتی تو کتابخونه یهو امور دانشجویی میاد میگه اینجا چی کار میکنی و برو کتابخونه بستس. تو نمازخونه ای یک جور و...

اما بخش جالب دانشگاه فرهنگیان که در واقع ماهیت واقعی عملکرد دانشگاه رو به ما نشون میده بخش انتخاب واحد هست. انتخاب واحد در اصل خلاصه‌ای از کل دانشگاه ماست. توی انتخاب واحد من حق انتخاب دارم متنها چیزی که برام انتخاب شده...

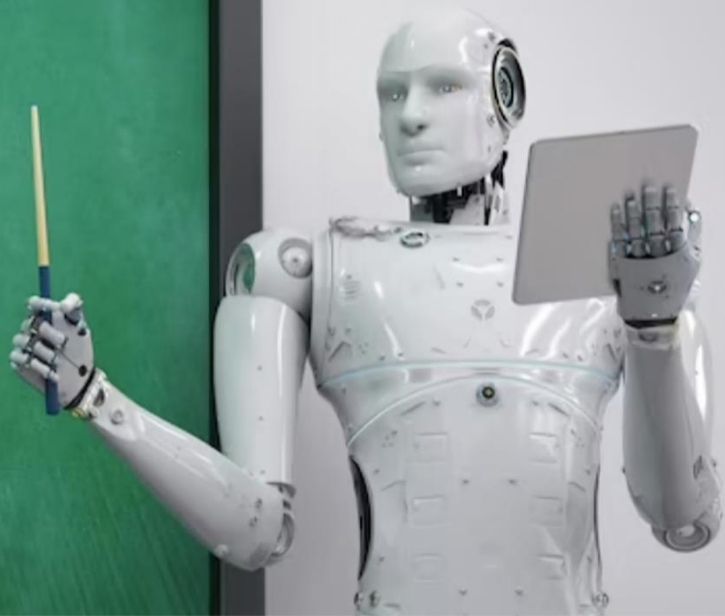
انتخاب واحدی که در اصل دانشگاه انجام میده و ما فقط اونو برمیذاریم. یه همین سادگی ... تازه اینا که چیزی نیست. شما وقتی وارد دانشگاه فرهنگیان شید از همون لحظه ورود به ترتیب باید از نگهبان گرفته تا آشپز و خدمه و استادی که حضور دارن و افرادی که حضور ندارن و همه و همه سر هرچیزی جواب بدید.

یعنی تو مدرسه ما یک ناظم داشتیم ولی خداروشکر توی دانشگاه فرهنگیان هزاران ناظم و معلم پرورشی هست. تازه همه اینا رو که رد کنی میرسی به یک سری واحدهای درسی عمومی که سطح محتوای بعضیاشون از سطح سواد راننده تاکسی های سه راه تهرانپارس پایین تره...

خلاصه که تحول واقعا هیچ جا نیاز نباشه توی دانشگاه فرهنگیان خیلی نیازه.

فقط به خاطر پیشرفت بیش از پیش کشور عزیزمون ایران...

اسمش را گذاشته‌ایم تربیت معلم!



سمیرا محمودی

حال آنکه هدفمان تربیت معلم است یا خیر، دیر زمانی‌ست به فراموشی سپرده شده است.

اسمش فرهنگیان است اما چقدر توانستیم فرهنگ اصیل ایرانی- اسلامی را منتقل کنیم؟!

آنقدر درگیر آموزش مطالب به اصطلاح علمی شده‌ایم که یادمان رفته است ما باید معلم تربیت کنیم، باید انسان تربیت کنیم.

دانشگاه تربیت معلم، کارخانه انسان سازی است یا کارخانه ربات سازی؟!

ربات‌هایی ساخته‌ایم که حتی هویت معلمی خود را درک نکرده‌اند؛ حتی نمی‌دانند به عنوان یک انسان چقدر دارای ارزش هستند.

چند درصد واحدهای آموزشی را به تربیت خود معلم اختصاص داده‌ایم؟!

چقدر برایمان مهم است که معلم، خودش را باور دارد یا خیر... راستی

اصلاً چطور می‌توانیم از فردی که خودش رشد نکرده است و هویت خود را نیافته است انتظار داشته باشیم که عامل هویت بخشی به نسل آینده باشد؟!

آقایان مسئول حواستان باشد اینجا قلب تپنده جامعه است. نکند قلبی را بیمار کنید که در این صورت تمام اعضای جامعه متلاشی می‌شود.



با نام و یاد خدا

موضوع ادامه تحصیل دانشجویان در مقطع ارشد بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه فرهنگیان همواره دارای چالش‌های فراوان و تاکنون حل نشده است.

در سال‌های اخیر تعداد دانشجویان که قصد ادامه تحصیل در رشته‌های پرطرفدار علوم تربیتی هستند، بیش از پیش است. از آنجایی که عموماً دانشجویان علاقه‌مند و دارای دغدغه تحول در آ.پ به دنبال چنین رشته‌هایی در تحصیلات تکمیلی هستند همواره با چالش غیرمرتبط بودن رشته‌های علوم تربیتی با رشته دوران کارشناسی خود مواجه هستند و این بهانه‌ای است برای ادارات آموزش و پرورش که مانع ادامه تحصیل در این رشته‌ها شوند. این ممانعت از جهات مختلفی قابل تحلیل و بررسی است و سوالات جدی را به همراه دارد.

دلیل اصلی آ.پ برای مانع شدن چیست؟

آیا ادامه تحصیل در رشته غیرمرتبط و کسب دانش تخصصی جدید و تدریس یک معلم در دروس مختلف آن هم زمانی که آ.پ با مشکل کمبود معلم تخصصی در دروس مختلف مواجه است، چه مانعی می‌تواند داشته باشد؟ نقش سازمان‌های مرتبط همچون سازمان‌های برنامه و بودجه و سازمان امور اداری و استخدامی در این ممانعت چیست؟

چالش دیگری که وجود دارد مسئله هماهنگ کردن کلاس درس و کلاس دانشگاه برای نومعلمان است. با توجه به اینکه دانشگاه‌های دولتی عموماً در طول هفته کلاس‌های مقطع ارشد خود را برگزار می‌کنند، برای نومعلمان این مسئله به دغدغه‌ای مضاعف تبدیل شده است. این امر باعث شده تا نومعلمان ادامه تحصیل در دانشگاه‌های آزاد و پیام‌نور را انتخاب کنند.

هرچند مسئله ادامه تحصیل به موضوعی در ظاهر حل ناشدنی تبدیل شده، ولی این چالش به گفتمان‌سازی و عزم و اقدام همه‌جانبه از سوی فرهنگیان را می‌طلبد تا مرتفع شود. امید است که چالش‌های عدیده آ.پ با مطالبه معلمان و دانشجویان به همراه همت و پیگیری مسئولان حل شوند.

علی مهدی پور

سیستم

ارزشیابی

ثبت نام

پیشخوان خدمت

آموزش



ثبت نام اصلی

عملیات ثبت نام

عملیات ترمیم

کنترل های ثبت نام

گزارش های ثبت نام

فاصله برگزاری دو کلاس تا ۵ ساعت بوده درحالی که میشد با برنامه ریزی درست این فاصله را به حداقل رساند و تعداد روزهای حضور در دانشگاه را کمتر کرد.

این مشکلات در کنار موارد بسیار دیگری مانند عدم توجه برخی دانشجویان به ساعت ورود به سامانه که توسط مدیر گروه چندین بار تاکید شده، تعریف استاد فرضی در سامانه و ظرفیت کم بعضی از کلاسها مخصوصا کارگاهها باعث شده که دانشجویان بخواهد انتخاب واحد مانند ترم اول توسط خود دانشگاه انجام شود.

از طرف مخاطبین

روند انتخاب واحد در هر دانشگاهی متفاوت است اما ما در دانشگاه فرهنگیان با پدیده‌ای عجیب روبه رو هستیم.

انتخاب واحد در این دانشگاه عملا انتصاب واحد است چرا که فقط باید واحدهای ارائه شده را انتخاب کرد و برای انتخاب واحدهای اضافه تر، لازم است حضوری به دانشگاه مراجعه و درخواست کتبی داده شود!

اما آنچه بیشتر مشکل ساز است این است که متاسفانه برخی دانشجویان توجهی به ظرفیت گروه ها ندارند و برای اینکه بین کلاسهایشان فاصله نباشد، از چندین گروه مختلف واحد انتخاب می کنند.

خوشبختانه با تدبیر مدیران گروه در هر پردیس، این ترم انتخاب گروه دیگر برای دانشجویان در سامانه قفل شده بود.

مشکل دیگر این است که در دو ترم اخیر بعضی از دانشجویان تا آخرین ساعت انتخاب واحد نتوانسته بودند حتی یک واحد اتخاذ کنند و در آخر با مراجعه حضوری به دانشگاه در روز جاماندگان توانستند تعدادی واحد انتخاب کنند که البته بعضی از آن واحدها از دروس ورودیهای مختلف بود!

مسئله بعدی زمان برگزاری کلاسها است. متاسفانه دانشجویان از برنامه ریزی دانشگاه راضی نیستند چرا که برای تمام روزهای هفته کلاس تعریف شده و

@FARHANGRAH_CFU



فرهنگراه

نشریه تخصصی
دانشجویی
دانشگاه فرهنگیان
استان تهران

@FARHANGRAH_AD

کانال تلگرام

ارتباط با
نشریه
فرهنگراه

ادمین تلگرام